

آشناپی با

۲

• پاسخ به ابهامات •

ایران

آلبرت

Danesh

Amshah

ایران

Amshah

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

Al-Badr

اعلانیہ:

پژوهشی امام خمینی (ره)

والله اعلم

ایران یونسف و انجمن
1433 هجری قمری
1433 هجری قمری
1433 هجری قمری

کتابخانه

مؤسسه آموزشی و پژوهشی

الامام خمينى (ره)

1386 / 11 / 11

تاریخ ورود: ۰۰۰۰

شماره ثبت: ۵۰۳۳۰

DSR

159

As

50

1904

دفعہ ۷۹ کے تحت دی گئی شرائط کے مطابق جواباً، آغا (علیہ السلام)

نہرست مطالب

مقدمه..... ۶

ریشه‌های تاریخی تجاوز عراق به ایران چه بود؟..... ۷

ملی و اهداف تجاوز عراق چه بود؟..... ۸

پیشینه تجاوز را شرح دهید..... ۱۵

آغاز تجاوز عراق علیه ایران چگونه بود؟..... ۱۶

کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی نسبت به تجاوز عراق چه واکنشی داشتند..... ۲۰

قبول قطع‌نامه ۵۹۸ از طرف ایران چه مسائلی را شامل می‌شد..... ۲۵

تحوالات نظامی جبهه ایران و عراق از آزادی خرمشهر تا عملیات خیبر را بررسی کنید..... ۲۶

از نظر نظامی ورود ما به عراق دارای چه دلالتی بود؟..... ۲۸

عکس‌العمل امام درباره پیشنهاد های صلح و قطع‌نامه شورای امنیت و پرداخت طرامت چه بود؟..... ۲۸

تحوالات ناشی از بروز انقلاب اسلامی در منطقه و در سطح بین‌المللی که زمینه لازم را برای تجاوز عراق فراهم کرد، کدام بودند؟..... ۲۹

اقدامات عراق در زمینه‌سازی برای تهاجم به ایران را توضیح دهید..... ۳۰

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

آشنایی با جنگ - جلد دوم

پاسخ به اتهامات

تهیه کننده: علیرضا لطف‌اللهزادگان

طرح جلد: حمیدرضا دانش فر

ویراستاری: مهدی انصاری

اجرا و آماده‌سازی: موسسه فرهنگی هنری سبز بشرا

تعداد: ۳۰۰۰

جواب اول: تاسمان ۱۳۷۹

لیتوگرافی: الوان چھاپ و صحافی: آرین ناظر چھاپ: پیامین سپاس

شماره: ۹۶۴-۶۳۱۵-۴۰-۲

SIBN : 964-6315-40-2

قیمت: ۱۵۰۰ ریال

ستاد مشترک سپاہ پاسداران انقلاب اسلامی - اداره عملیات - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

٢٢٢٢٢٢ - ٢٢٢ - ٢٢٢

مرکز پژوهش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فروردین، مجتمع کتاب فروردین، طبقه دوم.

اهداف و انگیزه‌های عراق از آغاز تجاوز به ایران را برشمارید..... ۳۱

آیا عراق در دست یابی به اهداف از قبل تعیین شده موفق بود؟..... ۳۱

دلایل ناکامی ارتش عراق را شرح دهید..... ۳۱

نقش و موضع بنی صدر در برابر تجاوز عراق چه بود؟..... ۳۱

اوضاع داخلی ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ و نیمه اول سال ۱۳۶۰ را شرح دهید..... ۳۲

فضای سیاسی کشور هنگام آغاز روند آزادسازی چگونه بود؟..... ۳۳

تأثیر روند آزادسازی و مواضع قدرتهای جهانی در سازمان ملل را شرح دهید..... ۳۳

مواضع سیاسی عراق در آغاز جنگ و بعد از آن را شرح دهید..... ۳۴

تأثیر بازپس گیری خرمشهر در تحولات سیاسی منطقه و روند جنگ چه بود؟..... ۳۵

دلایل عدم پذیرش طرح صلح صدام پس از فتح خرمشهر توسط جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهید..... ۳۵

دلایل ورود نیروهای ایران به خاک عراق چه بود؟..... ۳۶

تحولات جنگ پس از پیروزی والفجر ۸ و تصرف فاو را شرح دهید..... ۳۷

مواضع سازمان ملل در قبال تجاوز نیروهای عراق به ایران و استمرار دفاع ایران در خاک عراق را به صورت تطبیقی شرح دهید..... ۳۷

دلایل و چگونگی تصویب قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ را شرح دهید و مواضع اولیه ایران در قبال آن را توضیح دهید..... ۳۸

مواضع ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸ چه بود؟..... ۳۸

بررسی نقش قدرتهای جهان در تجهیز عراق به سلاحهای غیرمتعارف..... ۳۹

نقش کشورهای غربی و کشورهای منطقه در پشتیبانی از عراق در زمینههای مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی را توضیح دهید..... ۳۹

حضور نیروهای آمریکا در خلیج فارس و بررسی ابعاد و ارتباط آن با جنگ را توضیح دهید..... ۴۰

جنگ نفت کش ها و تشدید فشارهای اقتصادی به ایران چگونه بود..... ۴۱

دلایل موفقیت های نسبی ارتش عراق در مرحله پایانی جنگ را توضیح دهید..... ۴۲

نقش متناقضین در مراحل جنگ تحمیلی را بیان کنید..... ۴۲

چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهادهای صلح را نپذیرفت؟..... ۴۳

دلایل خاص نظامی و استراتژیک برای عدم پذیرش پیشنهاد های صلح پس از فتح خرمشهر چه بود؟..... ۴۳

آیا هدف از عملیات رمضان تثبیت موقعیت سیاسی و نظامی برای آغاز مذاکرات جنگ بوده است؟..... ۴۴

آیا نقش و اثر پیمانهای نظامی عراق، حمایت ها و نوع سلاح های خریداری شده نمی توانست در پیش بینی پایان جنگ مؤثر افتد؟..... ۴۴

آیا بررسی های قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ درست بود؟..... ۴۴

آیا ما به صلح، پس از فتح خرمشهر، عملیات رمضان یا فاو نیاز نداشتیم اگر به دست آوردن صلح اراده استراتژیک ایران بود چرا پیش شرط های بسیار سخت از سوی ایران ارائه شد؟..... ۴۵

آیا حصول پیروزی کامل نظامی در جهان امروز (به ویژه با توجه به نقش سازمان ملل و قدرتهای بزرگ) امکان وقوع خارجی داشت یا صرفاً یک آرمان بود؟..... ۴۵

چرا ایران قطعنامه ۲۱ تیر ۱۳۶۱ (۵۱۴) را رد کرد. حال آنکه عراق پذیرفت و اقدامات عملی برای آن انجام داد؟..... ۴۶

آیا مدیریت ناقص سیاسی و نظامی در ادامه جنگ دخیل بوده است؟..... ۴۷

برخی از کارشناسان نظامی و سیاسی معتقد بودند ادامه جنگ به باعث نظامی ایران منجر می شد آیا چنین تحلیلی مبنای قبول قطعنامه ۵۹۸ بود؟..... ۴۷

نقش جنگ شهرها، جنگ نفت کش ها، وجود سلاح های بیولوژیک و کشتار جمعی در قبول قطعنامه ۵۹۸ چه بوده است؟..... ۴۷

آیا ناتوانی ایران برای دست یابی به اطلاعات استراتژیک و نظامی در عدم موفقیت ایران دخیل نبود؟..... ۴۸

نقش فشارهای اقتصادی به دولت و مردم در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چه بوده است؟..... ۴۸

اطلاع رسانی درباره جنگ تحمیلی یکی از مأموریت‌های ذاتی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ می‌باشد و این امر در مقاطع مختلف صورت پذیرفته است. از جمله این اقدامات، ارائه مشاوره به برخی از مسئولین سپاه و پاسخ به پارامای از سؤالات مطرح شده در گفتگوها و مصاحبه‌ها بوده‌است.

با توجه به این که فرماندهی محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پاسخ به شبهات در اذهان عمومی را ضروری دانسته‌اند متن پاسخ‌هایی که در مقاطع مختلف توسط رده فرماندهی محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پرسش‌های عنوان شده، ارائه شده، جهت بهره‌برداری و استفاده عموم در اختیار قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که این جزوه به صورت تعجیلی تهیه شده است و ممکن است مفاهیم برخی سؤالات و جواب‌ها تکراری به نظر آید ولی حاوی مطالب قابل استفاده و اساسی است و اگر ضعفی در تنظیم آن مشاهده می‌شود، مطالعه کنندگان محترم این نقائص را خواهند بخشید. در چاپ‌های بعدی سعی خواهد شد ضمن افزایش تعداد پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مطالب ارائه شده با تنظیم و ترکیب بهتری عرضه شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تابستان ۱۳۷۹

۱- ریشه‌های تاریخی تجاوز عراق به ایران چه بود؟

در دوره امپراتوری عثمانی که عراق بخشی از امپراتوری مذکور محسوب می‌شد، اختلافات دو کشور همیشه بر سر اراضی سرحدی بود و عثمانی‌ها هیچ‌گاه نسبت به حاکمیت ایران در مورد اروندرود اعتراض نداشتند، چنان‌که در عهدنامه چهارگانه مرزی که بین ایران و عثمانی منعقد شده‌است - یعنی عهدنامه قصرشیرین ۱۶۳۹ میلادی، عهدنامه گردان ۱۷۴۶ میلادی - هیچ‌گاه موضوع حاکمیت و تعیین خط مرزی بین دو کشور در اروندرود تصریح نشده است، ولی دو دولت عملاً به طور مشترک در اروندرود اعمال حاکمیت می‌نمودند.

در سال ۱۹۱۳، به موجب پروتکل استانبول، حاکمیت بر تمام اروندرود به جز قسمت کوچکی در مقابل خرمشهر، به عثمانی واگذار شد. همچنین به موجب این پروتکل و صورت‌جلسات تجدید حدود ۱۹۱۴، اراضی وسیعی از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی گردید. نظر به اهمیت پروتکل مذکور و این که این پروتکل اساس عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ قرار گرفته است، در زیر توضیحات بیش‌تری در مورد آن داده می‌شود:

به موجب ماده ۲ پروتکل مذکور، کمیسیون مرکب از نمایندگان چهار کشور ایران، عثمانی، روسیه و انگلیس برای تعیین حدود مرزهای ایران و عثمانی و علامت‌گذاری آنها تشکیل گردید. این کمیسیون ظرف مدت یکسال به کار خود خاتمه داد و در نتیجه ۷۰۰ مایل مربع از اراضی متعلق به ایران

واقع در شمال و جنوب قصر شیرین را به دولت عثمانی واگذار نمود. در اراضی مذکور که بعدها اراضی انتقالی نامیده شد، معادن نفت مهمی کشف گردید و امروزه قسمت مهم صادرات نفت عراق از چاه‌های نفت‌خانه و خانقین که جزء اراضی انتقالی بوده‌اند، تأمین می‌شود.

پروتکل استانبول و صورت جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ هرگز صورت قطعی و قانونی به خود نگرفت و به تصویب مجلس مقننه دولتی ایران و عثمانی نرسید. دولت ترکیه جانشین امپراتوری عثمانی، خود اعلام کرد که پروتکل استانبول را نمی‌توان یک سند سیاسی معتبر دانست، زیرا شکلی که برای اعتبار آن لازم می‌باشد به خود نگرفته است.

در مقابل، دولت عراق - جانشین امپراتوری عثمانی - ادعا می‌کرد که پروتکل استانبول از ضمیمه عهدنامه ۱۸۴۷ بوده و چون ایران در هفدهمین جلسه کمیسیون مختلط ۱۹۱۲، عهدنامه مزبور را پذیرفته، لذا پروتکل ۱۹۱۳ نیازی به تصویب سحد ایران نداشته است.

اختلافات مرزی دو کشور ادامه داشت تا این که در سال ۱۹۳۷ عهدنامه دیگری بر اساس عهدنامه ارض روم ۱۸۴۷ و پروتکل استانبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ بین دو کشور به امضا رسید. به موجب این عهدنامه، مرز دو کشور در اروندرود به جز در مقابل بنادر آبادان و خرمشهر که بر اساس تالوگ تعیین گردید، ساحل ایرانی اروندرود معین شد.

ظاهراً علت امضای عهدنامه مذکور از طرف دولت ایران، اوضاع و احوال آن برهه از زمان و فشار انگلیسی‌ها بود. جهان به سوی جنگ جهانی دوم پیش می‌رفت و دولت ایران مایل بود با انعقاد پیمان سعدآباد، اتحادی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه و افغانستان بوجود آورد. به همین جهت فقط چهار روز پس از امضای عهدنامه، یعنی در ۸ ژانویه ۱۹۳۷ پیمان سعدآباد بین کشورهای مزبور به امضا رسید. در نتیجه، «توافقی ایران و عراق پیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد جنبه سیاسی داشت».

عهدنامه ۱۹۳۷ نیز به اختلافات دو کشور خاتمه نداد و حتی با انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق بر شدت آن افزوده شد. زیرا با سقوط رژیم سلطنتی در عراق، تشابه و همسویی دو رژیم از بین رفت. اوج بحران در روابط دو کشور، در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ بر سر اروندرود بروز کرد. مجدداً در سال ۱۹۶۸ که حزب بعث در عراق به قدرت رسید، اختلافات دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و تا سال ۱۹۷۵ که عهدنامه دیگری بین طرفین به امضا رسید، با شدت و ضعف ادامه داشت.

عهدنامه ۱۹۷۵

عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ براساس اصول توافق دو کشور مندرج در اعلامیه الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ منعقد گردید.

اعلامیه الجزیره شامل یک مقدمه و چهار اصل بدین شرح می‌باشد:
«... با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوزناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند:

۱. مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قسطنطنیه مورخ ۱۹۱۳ و صورت جلسه‌های کمیسیون تعیین مرز مورخ سال ۱۹۱۴ تعیین کنند.

۲. مرزهای آبی خود را بر اساس تالوگ تعیین نمایند.

۳. با این کار، دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت.

طرفین بدینسان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد، اعمال نمایند.

۴. دو طرف توافق کرده‌اند که مقررات فوق، عوامل تجزیه‌ناپذیر جهت یک راه حل کلی بوده و نتیجتاً بدیهی است که نقض هریک از مفاد فوق معایر روحیه توافق الجزایر می‌باشد».

دولت عراق پس از لغو یک جانبه این اعلامیه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ مجدداً در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۲ به طور رسمی اعلام کرد که آن را پذیرفته است.

اعلامیه الجزیره حاکی از اصول کلی مورد توافق طرفین برای حل و فصل اختلافات بود.

۲- علل و اهداف تجاوز عراق چه بود؟

دولت عراق در تجاوز به ایران اهداف ارضی و سیاسی را هم زمان دنبال می‌کرد. برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود، تصرف قسمتی از اراضی ایران در جبهه مرکزی، تجزیه استان خوزستان از ایران و استرداد جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، اهداف ارضی و مرزی عراق بود. سرنگون ساختن دولت جمهوری اسلامی ایران، عهده‌دار شدن ژاندارمی خلیج فارس و رهبری جهان عرب نیز از جمله اهداف سیاسی دولت عراق به‌شمار می‌رفت. هدف این مقاله بررسی اهداف مذکور با توجه به اظهارات مقامات رسمی دولت عراق است.

الف - برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود

رهبران عراق یارها در سختان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروندرود شدند. وزیر امور خارجه عراق در نامه خود به دبیر کل سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰ تصریح کرد که دولت عراق در نظر دارد به موضع قبل از سال ۱۹۷۵ بازگردد و کنترل کامل شطالعرب را در دست گیرد.

صدام حسین نیز در سخنان خود در جلسه فوق العاده مجلس ملی عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در این مورد اظهار داشت:

«من در برابر شما اعلام می‌کنم که موافقتنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ از نظر ما کلن‌لمیکن تلقی می‌شود. بنابراین وضعیت حقوقی شطالعرب باید به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ برگردد. این رودخانه با تمام حقوقی که از حاکمیت مطلق عراق بر آن ناشی می‌شود جزو تمامیت عربی عراق است. همان‌طور که در سراسر تاریخ در نام و در واقعیت چنین بوده است.»

در پی اعلام این تصمیم، دولت عراق به منظور بازگشت وضع اروندرود به دوره قبل از انعقاد عهدنامه مرزی و حسن همجواری سال ۱۹۷۵ اقدامات لازم را به عمل آورد. در این جهت مقامات بندری عراق به کارکنان خود در داخل و خارج ابلاغ کردند راهنمایی کشتی‌ها، صدور اجازه حرکت آنها و دریافت عوارض بندری باید تماماً توسط عراقی‌ها انجام شود. مقامات مذکور همچنین هماهنگی لازم را با آژانس‌های بین‌المللی به عمل آوردند و از آنها درخواست کردند که صاحبان کشتی‌ها به کارکنان و خدمه کشتی‌های خود دستور دهند تا برای دریافت خدمات کشتیرانی فقط از راهنمایان عراقی کمک بخواهند و برای ورود به اروندرود و خروج از آن نیز از مقامات عراقی اجازه بگیرند و پرچم عراق را بر فراز کشتی‌های خود، حتی اگر مقصد آنها، بنادر ایران باشد، برافرازند.

دولت عراق برای تسلط و حاکمیت مطلق بر اروندرود ناگزیر است تا دو ساحل آن را در اختیار گیرد تا این آبراه به صورت یک رودخانه داخلی عراق درآید. سعدون حمادی در نامه‌ای به سازمان ملل در این مورد می‌نویسد:

«به منظور تضمین حاکمیت مطلق عراق بر شطالعرب که رودخانه‌ای ملی باشد و برای این که در موضعی باشیم که ما را قادر به اعمال حاکمیت مطلق سازد، ناگزیریم که کرانه شرقی این آبراه را ... حفظ و تأمین نمائیم.»

دولت عراق آن قسمت از اراضی را که ادعا می‌کرد بر طبق موافقتنامه ۱۹۷۵ الجزیره باید به آن دولت مسترد می‌شد یا توسل به زور به اشغال خود درآورد. پس از اشغال اراضی مذکور یعنی مناطق سیف‌سعد، ربن‌القوس و

سیمک، ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ اعلام کرد که نیروهای مسلح عراق به مرزهای بین‌المللی رسیده‌اند. وی اضافه نمود ما تمام سرزمین‌هایی را که ایران یا زور تصرف کرده بود، دوباره پس گرفتیم و اختلافات خود را با ایران در مورد سرزمین‌های مذکور حل کردیم. دولت عراق نیز در همان تاریخ اعلام کرد تمام اراضی را که ایران در بازگرداندن آن به موجب موافقتنامه الجزیره کوتاهی کرده بود، آزاد کرده‌است. وزیر دفاع عراق وسعت مناطقی را که ارتش آن کشور به اشغال خود درآورد ۲۲۴ کیلومتر مربع اعلام کرد. ولی سعدون حمادی طی مصاحبه‌ای در سازمان ملل این رقم را ۴۰۰ کیلومتر مربع ذکر کرد.

در همین جا باید گفت که ادعای عراق مبنی بر عدم استرداد اراضی مذکوره هیچ‌گونه مناسبتی نداشت و صرفاً ناشی از سیاست‌های توسعه‌طلبانه عراق بود زیرا مرزهای زمینی بین دو کشور در سال ۱۹۷۵ ابتدا بر روی نقشه و سپس با نصب میله‌های مرزی بر روی زمین توسط کمتهای متشکل از نمایندگان ایران، الجزایر و عراق با موافقت دولت عراق معین و مشخص شد.

ب - تجزیه خوزستان از ایران

دولت عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تجزیه استان جنوبی ایران، خوزستان آغاز کرد. مشکلات طبیعی ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران فرصت خوبی را برای دولت عراق فراهم آورده بود، تا مطامع توسعه‌طلبانه خود را درباره خوزستان به مورد اجرا گذارد. از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب، حقایق تاریخی مربوط به خوزستان جعل شد. این اقدام با چاپ فسرلوان نقشه‌های جغرافیایی جعلی که در آن بخش‌هایی از سرزمین ایران، مانند خوزستان و بلوچستان از کشور تفکیک شده بود، پی گرفته شد. در یکی از این نقشه‌ها، تمام دایره‌های جنوبی زاگرس و حتی مناطق ۳ هزار ساله آریائشین جزء منطقه "عربستان" بزرگ (شامل خوزستان و نواحی اطراف آن) آورده شده بود، بدین معنا که این محدوده می‌بایست از ایران جدا و ضمیمه عراق شود. دولت عراق در تعبیر اسامی تاریخی و جغرافیایی سرزمین ایران به شیوه رژیم اسرائیل عمل می‌کند. اسرائیل طی ۴۰ سال گذشته، ابتدا اسامی تاریخی سرزمین‌های عربی را تغییر داد، سپس آنها را اشغال و بعد از مدتی ضمیمه خاک خود کرده است.

د - سرنگون کردن دولت ایران

دولت عراق تمایل خود را به سرنگون ساختن دولت جمهوری اسلامی ایران و یا تضعیف انقلاب اسلامی ایران هرگز پنهان نکرده است. طه یاسین رمضان معاون اول نخست‌وزیر و فرمانده ارتش خلقی عراق در مصاحبه اختصاصی با روزنامه الثورة ارگان رسمی حزب بعث در ژانویه ۱۹۸۰ اظهار داشت:

«ما بر این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر این‌که رژیم حاکم بر ایران به کلی منهدم شود».

وی افزود:

«هیچ کشوری در جهان قادر نیست بدون داشتن یک دولت قوی، متحدینی در محافل بین‌المللی، اقتصادی مطلوب، منابع مالی و تدارکات تسلیحاتی اقدام به جنگ نماید. جمهوری اسلامی ایران هیچ یک از این امتیازات را ندارد».

برآورد شده بود که یک تجاوز سریع و قاطع می‌تواند ایران را به زانو درآورد. بر همین اساس صدام حسین در ژوئیه ۱۹۸۰ با اعتماد به پیروزی خود اظهار داشت:

«رهبری ایران بر روی شکست ما حساب می‌کند و ما خواهیم دید که چه کسی پیروز خواهد شد».

ه - ایفای نقش ژاندارم خلیج فارس

پیروزی انقلاب اسلامی ایران تعادل قوا را در منطقه خلیج فارس به نفع عراق تغییر داد. این مسئله در سخنان عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق بخوبی آشکار است. وقتی که او می‌گوید:

«عراق افسانه برتری ایران را در منطقه از میان برده است».

سقوط شاه که ژاندارم غرب در خلیج فارس بود، خلأ قدرتی در منطقه خلیج فارس بوجود آورد. حتی قبل از آن، آخرین نخست‌وزیر دوران شاهنشاهی ایران اعلام کرد که ایران دیگر تمایلی به اجرای نقش ژاندارمی در خلیج فارس را ندارد.

صدام حسین برای تثبیت نقش خود به عنوان ژاندارم خلیج فارس در بهمن ماه ۱۳۵۸ به انتشار منشور ملی اقدام کرد. وی در این مورد می‌گوید:

«به عقیده ما تمدن کشورهای خلیج (فارس) به این منشور به عنوان تعیین کننده چارچوب کلی روابط فیما بین، امنیت خلیج (فارس) را تأمین

پس از انقلاب اسلامی ایران، بغداد مجدداً به صورت پایگاه جنش‌های تجزیه‌طلبانه خوزستان درآمد. عدم کنترل دقیق مرزها در اوایل انقلاب موجب شد تا مقادیر زیادی اسلحه از عراق وارد خوزستان شود.

سفیر عراق در بیروت در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۲ آبان ۱۳۵۸) بهبود روابط ایران و عراق را به تحقق چند شرط از جمله اعطای خودمختاری به اقلیت عرب ایوان مشروط کرد. صدام حسین نیز در آوریل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) طی سخنانی حواستار به رسمیت شناختن خوزستان (که آن را عربستان) نامید به عنوان یک منطقه عربی گردید. طه یاسین رمضان نیز در اول اردیبهشت ۱۳۵۹ بر «پایبندی کشورش در گرفتن حق ملت عرب عربستان (خوزستان) تأکید کرد» در همان ماه نیز صدام حسین در مجمع شورای ملی عراق گفت:

«هیچ وقت رسالت خود و مفهوم آن را از یاد نبرده‌ایم. ما قریاد زنان عربی را که در عربستان (خوزستان) به سر می‌برند از یاد نخواهیم برد».

براساس برخی گزارش‌ها، تجاوز عراق به ایران بر اساس طرح تجزیه خوزستان ایران که در وزارت امور خارجه انگلیس تهیه شده، استوار بود. براساس طرح مذکور، فرار بود ارتش عراق با کمک شاپور بختیار و غلامعلی اویسی، ظرف مدت یک هفته استان خوزستان را به اشغال خود درآوردند و سپس «جمهوری آزاد ایران» را تحت رهبری بختیار تشکیل دهند. پایتخت جمهوری جدید نیز می‌بایست شهر اهواز باشد و کردستان ایران نیز پس از اشغال، به این جمهوری ملحق می‌شد. طبق این طرح پس از گذشت یک دوره خوزستان به طور رسمی ضمیمه عراق می‌گردید.

ج - ادعای استرداد جزایر سه گانه

هدف دیگر دولت عراق از تجاوز به ایران، استرداد جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بود. مقامات مسئول عراقی به کرات در سخنان خود به مسئله جزایر سه گانه اشاره نموده و خواستار استرداد آنها شده بودند. این اظهارات در ۶ ماه قبل از آغاز تجاوز عراق به ایران روند شتاب‌آلودی به خود می‌گیرد. مقامات عراقی ضمن این‌که از ایران می‌خواهند که جزایر مذکور را مسترد دارد، عراق را متعهد به باز پس گرفتن آنها می‌دانند.

صدام حسین نیز طی مصاحبه‌ای در مورد امکان بازپس گرفتن جزایر سه گانه و مورد دیگری که به آن اشاره نکرد، در تیرماه ۱۳۵۹ اظهار داشت:

«اکنون توان بازپس گرفتن جزایر و امکان به دست آوردن موردی که آن را باز خواهیم گرفت، داریم. پس چه دلیلی وجود دارد که سکوت کنیم».

می‌کند. نگهبان امنیت خلیج (فارس) فرزندان خلیج (فارس) و کشورهای آن می‌باشند.»

از طرف دیگر عراق با دامن زدن به نگرانی بی‌مورد کشورهای خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران، توانست آنها را به طرف خود جلب نموده و عراقی را به عنوان تنها سپر دفاعی در مقابل انقلاب اسلامی ایران معرفی کند. سعدون حمادی در این زمینه گفته است:

«اگر عراق سقوط کند، پس از آن تمام کشورهای خلیج عربی (فارس) سقوط خواهند کرد.»

صدام حسین تجاوز عراق به ایران را دفاع از ملت عرب، کشورهای خلیج فارس و حفظ ویژگی «عربی بودن» خلیج فارس عنوان می‌کرد. وی در سخنرانی رادیویی خود در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ در این مورد گفت:

«این جنگ تنها برای ما نیست، بلکه بیشتر برای تمام اعراب و همچنین ویژگی عربی بودن خلیج (فارس) ... است. او اضافه کرد که: «عراق از طرف ملت عرب و شهروندان خلیج (فارس) می‌رزم.»

و - رهبری جهان عرب

صدام حسین رویای رهبری جهان عرب را نیز در سر می‌پروراند. از نظر ایدئولوژیکی، رسالت تاریخی حزب بعث ایجاد یک امپراتوری به رهبری این حزب می‌باشد. شعار حزب بعث "امه عربیه واحده، ذات رساله خالده" یعنی "یک ملت عرب، یک مأموریت ابدی" است. از نظر حزب بعث، اعراب به‌رغم تقسیم به کشورهای مختلف همیشه ملت واحدی را تشکیل می‌دهند و اکنون نیز باید مرزهای بین کشورهای عربی از میان برداشته شود و اعراب مجدداً ملت واحدی را تشکیل دهند. رسالت تاریخی حزب بعث فی‌الواقع احیاء مجدد و عظمت عصر جاهلیت اعراب و احیاء امپراتوری‌های امویان و عباسیان است.

به همین جهت صدام جنگ خود را با ایران "قادیسیه دوم" یا "قادیسیه صدام" می‌نامد.

صدام حسین در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ خطاب به مردم عراق گفت:

«ما باید شمشیرهای علی خالد و سعد ابن ابی‌وقاص را برای مبارزه با این گروه ستمگر و آموختن درس‌های تاریخی جدید به آنها همانند نبرد باشکوه قادیسیه از نیام در آوریم. نبرد باشکوه قادیسیه تکبر و خودخواهی خسرو پرویز را نابود کرد و موانع اسلام را از میان برداشت و بی‌دینی و سادگی و تجاوز را در

آشنایی با جنگ، پاسخ به اتهامات | ۱۵

این منطقه ریشه کن کرد. ارتش دالیر ما نیز در زین القوس و سیف سعد همیس کار را انجام داد.»

از طرف دیگر صدام حسین قصد داشت تا جنگ بین ایران و عراق را به جنگ ایران و اعراب مبدل سازد. وی بارها در سخنان خود اظهار داشته که از جانب اعراب به‌پاخاسته تا حقوق از دست رفته آنان را دوباره به دست آورد. صدام حسین در مصاحبه‌ای در ۲۳ اسفند ۱۳۶۲ خطاب به اعراب گفت:

«ما که برادرانان هشتم، به نمایندگی از سوی شما، دفاع از سرزمین اعراب را آن‌گونه که درخور است به عهده خواهیم گرفت.»

در این زمان مصر با امضای موافقت‌نامه کمپ دبیود نقش رهبری خود را در جهان عرب از دست داده بود و صدام حسین خود را برای پرکردن خلأ رهبری مصر در جهان عرب، شایسته می‌دید.

۳- پیشینه تجاوز را شرح دهید.

با سرنگونی شاه و پا گرفتن نظام جمهوری اسلامی در ایران، عراق زمینه را برای اعمال اغراض سیاسی و نظامی خود مناسب دید. لذا صدام حسین ابتدا در یک تصفیه حزبی حسن البکر را از رهبری عراق کنار زد و خود به جای وی نشست. وی سپس با روی کرد به سیاست همکاری با کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و فرانسه پایه‌های حکومت خود را تحکیم بخشید و سیاست رادیکالی منطقه‌ای خود را کنار گذاشت و به همکاری بیشتر با کشورهای عربستان، کویت و ... روی آورد. همزمان با این تحولات، گروه‌های معارض ایران از قبیل جبهه التحریر عربستان، و جبهه التحریر اهواز و سازمان سیاسی خلق عرب را فعال ساخت و گروه‌های مسلح ایرانی در کردستان همچون حزب دمکرات کردستان ایران و ... را به خدمت گرفت. اهداف در این برهه عبارت بود از: تشکیل و سازماندهی جوانان عرب در راستای اهداف عراق، کسب اطلاعات سیاسی، نظامی و اقتصادی از اوضاع ایران، دامن زدن به اختلافات نژادی عرب و عجم و انجام دادن اقدامات خرابکارانه در مواضع حساس اقتصادی و نظامی خوزستان و کردستان.

- تحرکات مرزی در آستانه تجاوز به ایران

- عراق برای افزایش توان نظامی دست به اقداماتی زد از جمله:

- ازدیاد و تقویت پاسگاه‌های مرزی

- مستحکم کردن خطوط پدافندی -

- ایجاد شبکه‌های متعدد مراسلاتی.

- کاهش سطح روابط دیپلماتیک با ایران و گسترش اقدامات خصمانه سیاسی.

حکومت عراق در شهریور ماه ۵۹ اقدامات نظامی خود را علیه جمهوری اسلامی گسترش داد و از ابتدای این ماه بیشتر شهرهای ایران از جمله قصر شیرین، سومار، مهران، خرمشهر و آبادان را زیر آتش سلاح‌های سنگین قرار داد در ۱۳ شهریور چند نقطه قصر شیرین بمباران کرد و به بیش از ۱۰۰ خانه مسکونی آسیب رساند که طی آن ۱۰۵ تن کشته یا مجروح شدند در ۱۶ و ۱۹ شهریور نیز به ارتفاعات مشک حمله کرد و حدود ۲۱۰ کیلومتر مربع از خاک ایران اسلامی را به اشغال خود درآورد.

۴- آغاز تجاوز عراق علیه ایران چگونه بود؟

استعداد نیروی زمینی عراق در آغاز تهاجم، بالغ بر ۴۸ یگان می‌شد که عبارت بود از ۱۲ لشکر (شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه) و همچنین ۱۵ تیپ مستقل (شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص)، به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می‌شد.

ماشین نظامی عراق با بهره‌مندی کامل از تجهیزاتی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ هلی‌کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

تهاجم در جبهه جنوبی و زمین‌گیر شدن دشمن

استان خوزستان، از لحاظ ویژگی‌های استراتژیکی خاص خود، می‌توانست بخش مهمی از اهداف عراق در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. چرا که دشمن، در صورت تسلط بر استان خوزستان و تحریر آن، علاوه بر این که می‌توانست در مسیر براندازی نظام گام اساسی بردارد، در صورت عدم موفقیت در ساقط کردن حکومت مرکزی، قادر بود با تحریر استان خوزستان، تسلط خود بر شمال خلیج فارس را اعمال و کاملاً تثبیت نماید.

استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر، علاوه بر این که براساس "عملیات سریع، برق‌آسا و قاطع" طرح‌ریزی شده بود، عمدتاً معطوف به منطقه جنوبی کشور بود. لذا با توجه به اهداف یاد شده، فرماندهان نظامی عراق،

آشنایی با جنگ، پاسخ به اتهامات | ۱۷

تزدیک به دو سوم توان نظامی خود را برای عملیات بر مناطق جنوبی کشور سازمان‌دهی کردند. به این ترتیب که منطقه جنوب، حد فاصل خرمشهر تا دهلران، به سپاه سوم عراق واگذار گردید. نهایتاً با توجه به معابر و هوایی سنتی به منطقه و موقعیت زمین، طرح اشغال خوزستان براساس اهداف از پیش تعیین شده، به صورت زیر در دستور کار قرار گرفت:

الف - محور دزفول

نظر به گستردگی منطقه و طولانی بودن فاصله مرز نا اهداف دشمن در این محور، لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند تا با استفاده از معابر و هوایی منطقه، شامل دو معبر "فکه" - دوسلک - پل نادری - دزفول و "شرهانی" - عین‌خوش - پل نادری - دزفول و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیشک، محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) را کامل کنند.

بر این اساس، لشکر ۱۰ زرهی در محور شرهانی - عین‌خوش - اسامزاده عباس به سمت پل نادری پیش‌روی کرد و سرانجام در پشت پل نادری و غرب رودخانه کرخه متوقف شد. لشکر ۱ مکانیزه نیز در محور فکه - دوسلک - به سمت شوش پیش‌روی کرد و توانست تا پشت رودخانه کرخه را زیر نفوذ خود قرار دهد.

در این محور، علاوه بر تیپ ۲ زرهی (از لشکر ۹۲ زرهی اهواز) که بنا به مأموریت سرزمینی در این منطقه استقرار داشت، نیروهای سپاه پاسداران شوش و دزفول و نیز تیپ ۲۷ زرهی ارتش جمهوری اسلامی در برابر تهاجم دشمن صف‌آرایی نمودند، لیکن پس از اشغال عین‌خوش توسط قوای دشمن، نیروهای خودی به شرق رودخانه کرخه عقب‌نشینی کردند.

دشمن طی کمتر از یک هفته به ساحل غربی رودخانه کرخه رسید. عدم الحاق کامل لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و وسعت و عمق زمین منطقه و نیز وجود موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه، موجب زمین‌گیر شدن دشمن در پشت این رودخانه گردید. البته پس از الحاق دو لشکر مذکور، دشمن توانست کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داده و تأمین نماید.

ب - محور چزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق مأموریت داشت تا با عبور از معبر و هوایی چزابه، با تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیش‌روی نماید. در واقع محور سوسنگرد - بستان - حمیدیه از یک سو و

محور نشود - طلایه - جفر از سوی دیگر، با هدف تصرف اهواز طراحی شده بود.

لشکر ۹ زرهی، با حرکت از العمارة، از مسیر وصولی جزایه عبور کرد و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکتبزه به سمت اهواز پیش رفت. بدین ترتیب که نخست برای تأمین جناح خود و الحاق با لشکر ۱ مکتبزه، از سمت شمال کرخه به سوی تپه‌های الفاکبر در شمال استان تک کرده و همزمان با عبور از رودخانه کرخه و با اتکا به جاده اصلی استان - سوسنگرد - حمیدیه، حرکت اصلی خود را به سمت اهواز ادامه داد. این لشکر توانست ضمن اشراق و تسلط کامل بر منطقه، جناح چپ خود را با تصرف ارتفاعات الفاکبر، تأمین نماید. در برابر محور اصلی تهاجم دشمن به سمت اهواز، با وجود غافلگیری کتی نیروهای خودی، مقاومت‌هایی در شهر استان، پل سابل و سایر محورها صورت گرفت، لیکن به دلیل سنگینی تهاجم دشمن، نیروهای خودی، به تدریج برای استقرار در مواضع مناسبتر، عقب‌نشینی کردند. در نتیجه، دشمن با یک حیرت‌ناپذیر، خود را به دروازه حمیدیه رساند و شهر اهواز را در معرض تهدید قرار داد. در این وضعیت ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید غفور اصلی* از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قیسه از پی حسی ۷ در اختیار داشتند - شبانه، آماده پورش به دشمن شده، پس از خروج از شهر، در چند کیلومتری آن، در کنار جاده حمیدیه - اهواز به کمین دشمن نشستند. ساعت ۴ بامداد ۱۳۵۹/۷/۹ شبیک هماهنگ به سوی تانک‌های عراقی آغاز شد. نیروهای عراقی که در طول مسیر تا آن هنگام، با موانع و مقاومتی اساسی روبه‌رو نشده بودند، بلافاصله پس از تهاجم غافلگیرانه رزمندگان اسلام، با وحشت و نگرانی فراوان اقدام به عقب‌نشینی کردند. برخی از تانک‌های دشمن در زمین‌های مزروعی اطراف حمیدیه به گل نشست و برخی متهدم شدند. بعد از این حادثه، دشمن چند بار اقدام به پیش‌روی در این محور کرد و سرانجام، در پشت دیوارهای غربی شهر سوسنگرد، در غرب رود نisan، زمین گیر شد.

ج - محور نشود - جفر - اهواز

مأموریت عملیات در این محور بر عهده لشکر ۵ مکتبزه ارتش عراق بود که باید ضمن پاکسازی منطقه، جاده اهواز - خرمشهر را قطع می‌کرد و پس از محاصره خرمشهر از قسمت شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را نیز کامل می‌نمود و بعد از آن نیز به لشکر ۹ زرهی - که قرار بود در محور

آشنایی با جنگ، پاسخ به ابهامات | ۱۹

جزایه، با هدف تصرف بستان و سوسنگرد، به سمت اهواز حرکت کند - در شهر اهواز ملحق می‌شد.

لشکر ۵ ارتش عراق، با تصرف پاسگاه‌های طلایه و کوشک، به سمت اهواز پیش‌روی کرد. در محور کوشک، تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه برادران سپاه، در برابر دشمن مقاومت ننموده و برای مدت کوتاهی پاسگاه کوشک را آزاد کردند. سرانجام، لشکر ۵ مکتبزه عراق، در ۱۵ کیلومتری اهواز، در منطقه نورد، با مقاومت مردمی مواجه شد که موجب توقف دشمن در آن منطقه گردید. از سوی دیگر، به علت عدم موفقیت لشکر ۹ زرهی عراقی در تصرف سوسنگرد و حمیدیه، دشمن از پیش‌روی بیشتر به سمت اهواز عاجز ماند. لشکر ۵ مکتبزه نیز پس از این، با عبور از محور طلایه، با یک فلش به سمت جاده اهواز - خرمشهر و با یک فلش به سمت جفر حرکت کرد و پس از عبور از جفر، در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد. بعدها با ملحق شدن لشکرهای ۹ زرهی و ۵ مکتبزه در منطقه هویزه، بین نیروهای بخش شمالی و بخش جنوبی دشمن در جبهه جنوب، الحاق حاصل شد.

د - محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق، مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند. لشکر ۳ زرهی، به همین منظور با عبور از ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر، به سمت رودخانه کارون حرکت کرد و همزمان نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، پیش‌روی خود را آغاز نمود. مقاومت در خرمشهر موجب شد تا حرکت لشکر ۳ با تأخیر و در نتیجه با شکست روبه‌رو شود. این لشکر، در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ از کارون عبور کرد و پس از قطع جاده اهواز - آبادان، توانست آبادان را محاصره کرده و با عبور از رودخانه بهمن‌شیر، وارد کوی ذوالفقاری آبادان شود، لیکن به دلیل مقاومت مردمی در کوی ذوالفقاری، سرانجام مجبور به عقب‌نشینی شد و در شمال رودخانه بهمن‌شیر استقرار یافت.

۵- کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی نسبت به تجاوز عراق چه واکنشی داشتند؟

الف - شورای امنیت سازمان ملل

شورای امنیت به موجب بند ۱ ماده ۲۴ منشور سازمان ملل، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. «به‌منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف سازمان ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آنها اقدام نماید.» در اجرای این مسئولیت بر اساس ماده ۳۹ منشور «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت...» آیا شورای امنیت سازمان ملل به این وظایف خود در قبال جنگ ایران و عراق عمل کرده است؟

با وجود این که تجاوز عراق به ایران کاملاً محرز بود اما شورای امنیت سازمان ملل در اولین واکنش خود در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ - ۱ مهر ۱۳۵۹ - یک روز پس از آغاز جنگ، در بیانیه‌ای رسمی از «آحرار تجاوز عراق به ایران خودداری کرد و آن را وضعیت» نامید، شورا حتی «درگیری مسلحانه» در مرزهای دو کشور را در حد «نقض صلح» و «تهدید علیه صلح» هم ندانست تا با توسل به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور «به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت کند» و با تشکیل نیروهای ملل متحد وضعیت گذشته را اعاده نماید. به این ترتیب شورای امنیت عملاً مواد فصل هفتم منشور در مورد «اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز» را نادیده گرفت. با این حال شورا نمی‌توانست از تصمیم‌گیری در مورد جنگ ایران و عراق طفره برود، لذا در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) نخستین قطع‌نامه خود یعنی قطع‌نامه ۴۷۹ را صادر کرد در این قطع‌نامه شورای امنیت از دو کشور درگیر خواست «... بلافاصله از توسل بیشتر به قوه قهریه بپرهیزند و اختلافات خود را مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی حل نمایند... هرگونه پیشنهاد میانجی‌گری، سازش یا توسل به سازمان‌های منطقه‌ای را که می‌تواند اجرای تعهداتش براساس منشور ملل متحد را تسهیل نماید، بپذیرند.»

آشنایی با جنگ، پاسخ به اتهامات | ۲۱

در قطع‌نامه همچنین از کلیه کشورهای عضو خواسته شده بود «تجارت خویش را با عراق را مراعات نمایند و از هر عملی که ممکن است منجر به تشدید برخورد شود، خودداری کنند.»

همانگونه که از مفاد قطع‌نامه برمی‌آید، هیچ اشارهای به تجاوز عراق و یا نقض تمامیت ارضی ایران نشده، پیشنهاد آتش‌بس نداده و از نیروهای متجاوز خواسته نشده است که سرزمین‌های اشغالی را ترک کنند. در قطع‌نامه تنها از ایران و عراق خواسته می‌شود که از استفاده بیشتر از زور خودداری نمایند که در واقع مفهوم آن چنین است که نیروهای عراقی همچنان مناطقی اشغالی را تحت کنترل داشته باشند و نیروهای ایران از حمله برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خودداری نمایند.

ب - سازمان کنفرانس اسلامی

با آغاز جنگ ایران و عراق به پیشنهاد اندونزی و لیبی در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ برابر با ۴ مهرماه ۱۳۵۹ به‌منظور بررسی جنگ، اجلاس فوق‌العاده وزیران خارجه کشورهای عضو در نیویورک تشکیل شد. در این اجلاس کمیته‌ای به عنوان کمیته حسن نیت متشکل از سران ۹ کشور تشکیل گردید که ریاست آن به عهده صیام‌الحق رئیس‌جمهور پاکستان و مقرب آن در حده بود و کمیته مذکور شروع به بررسی جوانب مسئله جنگ نمود. این هیئت پس از مسافرت به ایران و عراق با رهبران دو کشور به مذاکره و گفتگو پرداخت. صدام در مذاکره با هیئت فوق اظهار داشت که حاضر به اجرای یک آتش‌بس یکطرفه است (وی قبلاً نیز این مسئله را در سخنرانی خود که در رسانه‌های عراق منعکس شد، اعلام کرده بود) و اعلام می‌کند که حاضر است آن را تحت نظارت هر سازمانی که مورد موافقت ایران باشد به اجرا درآورد، به دنبال آن دولت عراق متن پیشنهادی خود را در این مورد که حاوی چند بند بود اعلام داشت. در مقدمه این متن آمده بود که دولت عراق با توجه به این حقیقت که در موقعیت برتر نظامی است، در سپتامبر ۱۹۸۰ آمادگی‌اش را جهت آتش‌بس در صورتی که ایران موافق باشد، اعلام می‌دارد و «... سپس دنباله این مقدمه شرایط خود را جهت آتش‌بس به این صورت اعلام داشت:

- ۱- توقف هرگونه عملیات نظامی در هوا، دریا و زمین از جانب ایران بر علیه نیروهای عراقی.

- ۲- توقف بیانیه‌های مداخله‌جویانه که معایر یا آتش‌بس باشند و توسل به مذاکره توسط رهبران مسئول سیاسی نظامی در ایران.

- ۳- کاهش تمرکز نظامی در نقاط تماس بین طرفین در مرزها.

مسئولین ایران نیز در دیدار با هیئت فوق، برای قبول آتش‌بس دو شرط قائل شدند:

- ۱- عقب‌نشینی سربازان عراقی از ایران.
- ۲- وعده عراق مبنی بر عدم مداخله مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی ایران.

لازم به توضیح است که در این زمان کیلومترها از خاک و تعدادی از شهرها و روستاهای ایران در اشغال سربازان عراقی بود.

هیئت مذکور گزارش گفتگوهای خود را به اجلاس فوق‌العاده در نیویورک که یک ماه بعد در اول اکتبر ۱۹۸۰ جهت شنیدن و بررسی گزارش هیئت تشکیل شده بود، ارائه داد.

اجلاس مذکور ضمن استماع گزارش دبیر کل درباره هیئت حس نیست و همچنین سخنرانی ضیاءالحق و نمایندگانی از ایران و عراق اعلام داشت:

کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در نیویورک توصیه می‌کند که هیئت به کوشش‌های خود ادامه دهد و توصیه می‌کند که این نشست تا رسیدن به یک نتیجه مطلوب و جلوگیری از خونریزی مسلمین استمرار یابد.

پس از یک ماه از آغاز جنگ در تاریخ ۵۹/۷/۲۸ حبیب شعلی دبیر کنفرانس به ایران آمد و در دیدار با امام خمینی نظر ایشان را درباره ورود هیئتی از جانب کنفرانس اسلامی جهت بررسی جنگ جويا شدند، امام در پاسخ به حبیب شعلی فرمودند: «برای رسیدگی به جنایات صدام آمدن به ایران مانعی ندارد».

ج - مواضع و اقدامات آمریکا در قبال تجاوز عراق

امریکایی‌ها ضمن پرهیز دادن شوروی از دخالت در جنگ ایران و عراق سه مسئله اساسی را در پی آمد حمله عراق پی‌گیری می‌کردند:

- ۱- حمله عراق باعث آزادی جاسوسان امریکایی شود.
- ۲- ایران برای بازداشتن عراق از ادامه تجاوز، ضمن برآورد ساختن خواسته‌های آمریکا از این کشور درخواست کمک نماید.
- ۳- ایران با زیرپا گذاشتن برخی اصول انقلابی خود در مجامع رسمی بین‌المللی حضور یابد و به قواعد آنها تن بدهد. آمریکا برای تحقق این امر در ظاهر به اصطلاح بی‌طرفی فعال را دنبال می‌کرد و از سوی دیگر سعی داشت ایران را از دست زدن به اسناد تنگ هرمز - که تنها امکان اعمال فشار ایران بر نظام بین‌المللی بود برای بازداشتن از هجوم بیشتر عراقی بوده بازدارد.

این در حالی بود که آمریکا نظاره‌گر پیش‌روی عراق بود و وقتی در هفته دوم جنگ، عراق را در دستیابی کامل به اهداف خود سائلان دید به‌جای پیشنهاد عقب‌نشینی تنها خواستار آتش‌بس آن‌هم از طریق کشورهای منطقه یا کنفرانس اسلامی و سازمان ملل شد.

گزیده‌ای از اظهارات مقامات امریکایی در آغاز تجاوز عراق:

کارتر رئیس جمهور آمریکا: جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروهان‌های امریکایی منجر شود. از طرفی این جنگ می‌تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین‌المللی متقاعدسازد. خبرهای رسیده از ایران حاکی است که اشتیاق شدیدی در ایرانیان برای حل اختلافاتشان با عا دیده می‌شود.

ادموند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا: اگر ایران بخواهد تعهد و نفست کامل خود را در جامعه ملل ایفا کند، باید نخست گروهان‌های امریکایی را آزاد کند. رهایی گروهان‌های امریکایی به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و انزوای ایران در صحنه جهانی پایان می‌دهد و آثار انسانی گوناگونی به‌جای خواهد گذاشت. آمریکا آماده است به محض آزادی گروهان‌ها، بر اساس احترام متقابل و برابری، کلیه مسائل حل‌نشده و سوء تفاهم‌هایی را که ایران و آمریکا را از هم جدا ساخته است، مورد رسیدگی قرار دهد.

سخن گوی دولت آمریکا: آمریکا به نقشی در این درگیری‌ها نداشته نه در صدد میانجی‌گری برآمده است.

سخن گوی دولت آمریکا: ایالات متحده بر تصمیم خود مبنی بر عدم فروش قطعات یدکی تسلیحاتی به ارتش ایران استوار است. دولت آمریکا اطلاعاتی از تحول اوضاع جنگ ندارد.

رادپو آمریکا: آمریکا قصد ندارد در اوضاع ایران و عراق دخالت نماید و کماکان موضع بی‌طرفی اتخاذ خواهد کرد.

برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا: اکنون باید کاری کرد که مدارس دوباره به صورت سنگر مبارزه علیه رژیم ارتجاعی خمینی درآیند. باید دانش‌آموزان و حکومت‌پاسداران را رو در روی هم قرار دهیم. آن وقت همان بلایی را که آنها سر شاه آوردند، سر خودشان خواهیم آورد.

رئیس جمهور آمریکا: امریکا آزادی عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز را اصل اساسی می‌داند. ... ایالات متحده آمریکا در این رد و خوردها مداخله نخواهد کرد و به شوروی نیز توصیه می‌کند که از دخالت خودداری ورزد.

ادموند ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا: ایالات متحده در حال مشورت با متحدین خود در مورد ایجاد یک نیروی دریایی در صورت مسدود شدن

خلیج فارس است ... هم روس‌ها و هم ما می‌دانیم این اوضاع به سود هیچ کس نیست و هر دو برآنیم راهی برای پایان آن بیابیم.

گارتز: لازم است راه‌های آبی ... خلیج فارس، به خصوص تنگه هرمز که ایران و عمان را از هم جدا می‌سازد، باز بماند ... آمریکا برای بازماندن راه آبی خلیج فارس یا سایر کشورها تمایلی‌هایی گرفته است.

وزیر خارجه آمریکا: تأکیدهایی در مورد بی‌طرف بودن شوروی در جنگ کنونی ایران و عراق دریافت کرده، اما هنوز تعهد معینی از طرف شوروی در مورد حمایت از ابتکار عمل‌های سازمان ملل متحد برای پایان دادن به درگیری دریافت نکرده‌است.

وزیر امور خارجه آمریکا در ملاقات با وزرای کشورهای غربی از جمله لرد کارینگتون درباره امکان ایجاد یک نیروی دریایی مشترک برای مراقبت از حرکت کشتی‌ها در خلیج فارس بحث کرد.

معاون وزیر خارجه آمریکا: ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان عربی تلاش می‌کنند در صورت بسته شدن راه آبی هرمز، تدابیر لازم را اتخاذ کنند. گارتز: احتمالاً موضوع احتیاجات ایران به لوازم یدکی نظامی در مذاکره آزادی گروگان‌های آمریکایی گنجانده خواهد شد ... آمریکا در جنگ ایران و عراق دخالتی نداشته و نخواهد داشت.

سخن گوی پنتاگون: آمریکا نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس گسترش می‌دهد از جمله ناوهای حامل ۲۰۶۰۰ تفنگدار دریایی آمریکا که اکنون در منطقه مستقر شده‌اند.

روزنامه نیویورک تایمز: تصمیمی مبنی بر تهیه سیاه دویست هزار نفری و یکصد هزار سرباز ذخیره برای عملیات فوق‌العاده در منطقه اتخاذ گردیده است و جزیره دیه‌گو گارسیا، پایگاه نظامی آمریکا تقویت می‌شود.

نماینده آمریکا در سازمان ملل: اگر عراق از آمریکا کمک بخواهد هرگونه امکانات نظامی را در اختیار عراق قرار خواهد داد.

سخن گوی وزارت خارجه آمریکا: ما هم‌صدا با سایر کشورها، خواستار آتش‌بس هستیم، اما کیفیت و شرایط این آتش‌بس باید مورد بحث قرار گیرد. معاون وزیر خارجه آمریکا: اتحاد جماهیر شوروی می‌داند که ایالات متحده در صورت دخالت آن کشور ساکت نخواهد نشست.

وزیر خارجه آمریکا به طور جداگانه با معاون وزارت خارجه عمان و وزیر خارجه بحرین، پاکستان و مصر که برای شرکت در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفته‌اند، دیدار و تبادل نظر کرد و گفت آمریکا منتظر نتایج میانجی‌گری کفران اسلامی و سازمان ملل متحد است.

معاون سخن گوی وزارت امور خارجه آمریکا: آمریکا مثل کشورهای دیگر جهان خواستار آتش‌بس فوری بین دو کشور است، شرایط و چگونگی برقراری آن منوط به مذاکرات و توافق‌هایی است که بین ایران و عراق انجام خواهد گرفت.

گارتز: اگر به جنگ جمهوری اسلامی و عراق پایان داده نشود، به‌روزی تبدیل به بحران بزرگی برای جهانیان خواهد شد.

وزیر خارجه آمریکا در مقر سازمان ملل با سعدون حمادی وزیر خارجه عراق ملاقات کرد و از ایران برای دیدار مشابهی دعوت به عمل آورد. وی بار دیگر بی‌طرفی آمریکا را مورد تأکید قرار داده، افزود بی‌طرفی به معنای بی‌تفاوتی نیست.

وزیر خارجه آمریکا در ملاقات با سعدون حمادی وزیر خارجه عراق بیان مبارعات ایران و عراق را در اسرع وقت خواستار شد و از طرفین خواست بدون هرگونه شرایط قبلی با یکدیگر سر میز مذاکره کنند ... آمریکا مصمم است در صورت لزوم به کمک کشورهای دوست در منطقه بشتابد.

۶- قبول قطع نامه ۵۹۸ از طرف ایران چه سائلی را شامل می‌شد؟ از زمان شروع تجاوز عراق تا سال ۶۶ هیچ طرح سهمی که از طرف سازمان‌های معتبر پیشنهاد شده‌باشد و متضمن برآورده شدن حداقل خواسته‌های قانونی ایران باشد طرح نشده‌بود و از زمانی که ایران قدرتمندانه موافق شده بود قسمتهائی از خاک عراق را در عملیات‌های والفجر، گرسلائی و ... تصرف کند تمامی پیشنهادهای ارائه شده صرفاً در حد آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزها بود بدون این‌که درباره پایداری صلح و شناخت متجاوز مطلبی ارائه شده‌باشد. وقتی که قطع نامه ۵۹۸ که در آن طرح جامع صلح و تسبیب لازم برای اجرای آن - شناخت متجاوز و پرداخت غرامت به کشور ضدمه دیده - مطرح شد، ایران آنرا مستلزم ارزیابی کرد منتها ایران برای اجرای آن پیشنهادهایی داشت که اولویت دادن به بند شناخت متجاوز از جمله آنها بود که فشار کشورهای غربی از جمله آمریکا با دست زدن به اقداماتی از قبیل سرنگون ساختن هواپیمای مسافری ایران و تهدید به جهیز صدام به بمب اتم و ... مانع از تحقق این امر شد ایران هر روزه اجرایی کردن قطع نامه با دکوئیلار دیر کل وقت سازمان ملل همکاری بسیاری کرد.

۷ - تحولات نظامی جبهه ایران و عراق از آزادی خرمشهر تا خیبر را بررسی کنید.

پس از عملیات آزادسازی خرمشهر در مجموع عملیات‌های رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، والفجر ۲، والفجر ۳، و والفجر ۴ انجام شد.

هدف اصلی عملیات‌های رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱، دستیابی به سرزمین‌های شرق و شمال شرق بصره بود و عملیات‌های دیگری نیز در جبهه میانی و جبهه شمالی صورت گرفت.

تجربه به‌دست آمده از این عملیات‌ها نشان داد که با ادامه این عملیات‌های متعارف، تحول اساسی در جبهه‌ها پدید نخواهد آمد، لذا سیاه در پی ایجاد تحول و به دست آوردن برتری نظامی در جنگ، تدابیری اندیشید و ابتکار عمل‌هایی اتخاذ کرد و به دنبال آن عملیات‌های آبی - خاکی خیبر، بدر و والفجر ۸ را پیشنهاد و اجرا کرد و توانست توازن قوا را به‌طور محسوسی به‌نفع ایران تغییر دهد.

نتایج عملیات‌های رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۴ تا ۴:

الف - خسارات دشمن:

- کشته یا زخمی شدن بیش از ۱۸۵۰ نفر.

- به اسارت درآمدن ۵۷۶۹ نفر.

- انهدام بیش از ۱۶۳۱ دستگاه تانک و نفربر، بیش از ۳۳۳ دستگاه خودرو سبک و سنگین، سرنگونی ۱۸ فروند هواپیما، سرنگونی ۱۸ فروند هلی‌کوپتر، انهدام ۶۰ قیضه تیربار، ۳۲ قیضه ادوات جنگی، تفنگی شامل جیب ۱۰۶، کاتیوشا، سلاح ضد هوایی سام ۷ و توپ، مقدار معتدله‌ای سلاح‌های سبک و سنگین و وسایل مخابراتی.

- انهدام ۴ لشکر بین ۲۰ تا ۶۰ درصد، انهدام ۵۸ تیپ اعزامی از زرهی، پیاده مکانیزه، کماتدویی و جیش‌الشمعی بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد.

ب - غنائیم به دست آمده:

- ۲۷۸ دستگاه تانک و نفربر.

- ۴۶۵ دستگاه خودرو سبک و سنگین.

- بیش از ۱۸۰۰ قیضه تیربار.

- بیش از ۱۰۴ قیضه ادوات جنگی شامل تفنگ و جیب ۱۰۶، توپ ۱۰۰.

۱۲۲م و دوربین‌دار و سلاح ضد هوایی سام هفت.

- مقادیر زیادی وسایل مخابراتی و مهمات و سلاح سبک و سنگین.

ج - سرزمین‌های آزاد شده:

- آزادی ۱۹۶۰ کیلومتر مربع از مناطق عملیاتی و خاک میهن.

- تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب در منطقه عملیاتی والفجر ۴.

- آزاد سازی جاده اهلام - مهران - دهلران و ارتفاعات زالواب و نمدکلان‌بو.

و دشت مهران و همچنین برقراری ارتفاعات جبهه‌های میانی و جنوبی از طریق جاده مذکور در منطقه عملیاتی والفجر ۴.

- تسلط بر بیش از ۲۱ ارتفاع و تپه در محورهای مریوان، بانه، پنجوین.

و کانی‌مانگا و همچنین پیش‌روی در غرب کانی‌مانگا و محور چورانا در منطقه عملیاتی والفجر ۴.

۸ - از نظر نظامی ورود ما به عراق چه دلالتی داشت؟

۱- ارتفاعات آق‌داغ، قلاویزان، میمک، مهریز و ... در اشغال ارتش عراق بود و این ارتش بر شهرهای قصر شیرین و مهران و دشت میمک تسلط داشت و تیر داشت. علاوه بر آن، نفت‌شهر نیز همچنان در تصرف عراق بود و لذا توازن نظامی همچنان به نفع عراق بود.

۲- به علت آن‌که عقبه اصلی ارتش عراق آسیب اندکی دیده‌بود و اشتباهی تجاوز همچنان در سران حکومت عراق وجود داشت، لذا امکان تجاوز عراق همچنان پابرجا بود.

۳- پس از عملیات بیت‌المقدس فاصله عراق با شهرهای اصلی ایران در جنوب (آبادان - خرمشهر) ۵۰۰ تا ۷۰۰ متر بود ولی فاصله ایران از شهر اصلی عراق در این منطقه ۱۷ کیلومتر بود لذا با توجه به برتری عراق و با توجه به این نکته که امکان تجاوز عراق منتفی نشده‌بود، برتری عراق همچنان تهدیدی علیه تمامیت ارضی ایران بود.

۴- در آن زمان طرحی که متضمن صلح واقعی گردد و شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت را نیز شامل شود وجود نداشت و پیشنهادهای ارائه شده صرفاً در حد آتش‌بس و مذاکره طرفین بود که این امر با توجه به پشتیبانی بین‌المللی از عراق هیچ‌گاه نمی‌توانست شرایط ایران را برای یک صلح شرافتمندانه تحقق بخشد.

۹ - عکس العمل امام درباره پیشنهاد های صلح و قطع نامه شورای امنیت و پرداخت غرامت چه بود؟

باید توجه داشت که از اولین روز های تهاجم عراق به ایران تا سال ۱۳۶۶ که قطع نامه ۵۹۸ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید، هیچ گاه و از طرف هیچ سازمان و کشوری پیشنهادی که متضمن صلح باشد ارائه نشد. تا زمانی که عراق بخش هایی از خاک جمهوری اسلامی را در تصرف داشت پیشنهادها در حد آتش بس و مذاکره بود و این امکان برای عراق فراهم بود تا با بهره گیری از برتری نظامی و استازی که از قبل پیش روی در داخل ایران به دست آورده بود، به اغراض سیاسی خود دست یابد. در مرحله بعد که ایران توانست در سایه قدرت نظامی خود به برتری های عراق پایان بخشد و پس از آزادسازی سرزمین های تصرف شده در عملیات های فتح المبین و بیت المقدس، محور پیشنهادها آتش بس و عقب نشینی به مرزها و سپس آغاز مذاکرات صلح بود. و این به معنای از بین بردن برتری های نظامی ایران و امتیازهای سیاسی برای مذاکرات صلح بود.

اولین موضع حضرت امام در قبال هر نوع پیشنهاد آتش بس شناخت متجاوز و پرداخت غرامت بود. ایشان در دیدار با حبیب شعلی دبیر کل کنفرانس اسلامی در ۵۹/۷/۲۸ درباره متجاوز بودن عراق فرمودند: «دولت ها اگر چنانچه می خواهند عملی بکنند و صلح و صفا باشد باید آن کسی را که مهاجم بوده و یغی کرده است و هجوم کرده است باید با او قتال کنند تا این که برگردد به امر خدا و برگشتن به امر خدا، مجرد این نیست که از کشور ما بیرون برود، بلکه باید خسارت ایران را، خسارت مالی ایران را جبران کنند. ما با کسی دعوا نداریم لکن خسارت ایران و عراق را مطالبه می کنیم»

امام خمینی تا پایان جنگ بر این موضع تأکید داشتند.

در سال ۶۵ نیز این موضع با بیان دیگری طرح شد و حضرت امام قبول آتش بس را پذیرفتند ولی به شرطی که مسئله متجاوز مشخص شود. آقای لاریجانی قائم مقام وزارت خارجه در سال های جنگ، در این باره چنین توضیح می دهد: «پس از عملیات بیت المقدس صدام حسین با تبلیغاتی که راه انداخته بود خود را پرچم دار صلح معرفی می کرد و ما از نظر تبلیغات بین المللی به نوعی در حالت اتفالی قرار داشتیم. طی جلسهای که با آیت الله خامنه ای و آقای هاشمی برگزار شد این ایده مطرح شد که در صورت حفظ منافع جمهوری اسلامی، آتش بس منعی ندارد و ما می توانیم آتش بس مشروط را بپذیریم و آتش بس ضروری هست منتها باید مسئول تجاوز مشخص شود.

ما اصلاً غیر از واقعیت چیزی نمی خواهیم» (مصاحبه آقای لاریجانی - روزنامه انتخاب ۷۸/۱۲/۹)

از جمله بندهای قطع نامه ۵۹۸ شناخت متجاوز و پرداخت غرامت بود. لکن ایران برای اجرای آن اصرار داشت تا دو بند شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت در اولویت قرار گیرد. که اقدامات قدرتهای بزرگ خصوصاً آمریکا مانع تحقق این خواسته شد و ایران ناچار به پذیرش قطع نامه بدون اولویتهای مورد نظر شد.

۱۰ - تحولات ناشی از پیروز انقلاب اسلامی در منطقه و در سطح بین المللی که زمینه لازم را برای تجاوز عراق فراهم کرد، کدام بودند؟

الف - سرنگون شدن حکومت پهلوی که به عنوان ژاندارم و محور اساسی امنیت غرب در منطقه نقش بازی می کرد.

ب - ظهور یک ایدئولوژی جدید (انقلاب اسلامی) در رقابت با ایدئولوژی چپ و شوروی که مدعی حمایت از طبقه مستضعف و نهضت های رهایی بخشی و استکبارستیزی بود.

ج - ایجاد خلأ امنیتی در منطقه و نگرانی آمریکا از خطر گسترش انقلاب اسلامی در منطقه به ویژه کشورهای عربی و عراق

د - آمریکا با پناه دادن به شاه، در صدد سازمان دهی سلطنت طلب ها و بازگرداندن وضعیت گذشته به ایران بود.

ه - تسخیر لانه جاسوسی، ماهیت حوادث را دگرگون کرد و تمام مسائل سیاسی را تحت الشعاع قرار داد و ابتکار عمل را از آمریکا سلب کرد.

و - دولت موقت که یکی از امیدهای آمریکا برای بازگشت و سلطه مجدد به ایران بود، پس از وقوع جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا کنار رفت.

کودتای نوژه و حمله آمریکا برای آزادی گروگان ها و براندازی، دو اقدام اساسی این کشور برای تعویض حاکمیت و روی گمار آوردن دولت دلخواه در ایران بود.

بدین ترتیب، با شکست سه جریان اساسی، یعنی کنار رفتن دولت موقت، ناکام ماندن کودتای نوژه و شکست حمله نظامی (طیسی)، آمریکا در آخرین تلاش خود، عراق را در حمله به ایران پشتیبانی کرد.

۱۱ - اقدامات عراق را برای زمینه سازی تهاجم به ایران را توضیح دهید.

خلأ قدرت در منطقه که ناشی از سقوط رژیم شاه به عنوان ژاندارم منطقه بود زمینه را برای حمله عراق آماده کرد. در این حال عراقی تلاش می کرد

خود را جایگزین رژیم شاه کند و محور امنیتی در منطقه باشد. با این هدف، عراق دست به اقدامات زیر زد:

الف - عراق که یک کشور چپ و متزوی در منطقه بود، به بازسازی روابط خود با کشورهای منطقه پرداخت تا به این وسیله نظر مساعد آنها را جلب کند. از جمله ارتباط سیاسی و گرم با عربستان، اردن، کویت، امارات و -

ب - برعهده‌گیری نقش محوری در کشورهای عربی و طرح کردن مسئله اشغال جزایر سه گانه به دست ایران و ادعای بازپس‌گیری جزایر سه گانه.

ج - دوری محسوس از روس‌ها

د - باروی کار آمدن صدام حسین به جای حسن البکر، صدام محور تحولات داخلی و خارجی عراق شد.

ه - خرید تسلیحاتی کلان.

و - تشدید مخاصمات مرزی و سیاسی با ایران

بدین ترتیب، عراق با قول مساعد عربستان و کویت مبنی بر حمایت اقتصادی و با پشتیبانی سیاسی بلوک غرب به ویژه آمریکا، عملیات نظامی خود را علیه ایران آغاز کرد.

۱۲- اهداف و انگیزه‌های عراق از آغاز تجاوز به ایران را برشمارید.

اهداف عراق در تجاوز به ایران در سه سطح قابل بررسی است:

الف - حمله به ایران به منظور انتقال مرز آبی دو کشور (خط تالوگ) از اروندرود به ساحل شرقی آن.

ب - حمله به ایران به منظور جدا کردن استان خوزستان از ایران و ایجاد کشوری مستقل تحت سلطه عراق با نام عربستان.

ج - حمله به ایران به منظور فروپاشی نظام مقدس جمهوری اسلامی و روی کار آمدن دولتی غرب‌گرا به جای آن ولی اهداف دیگری نیز برای عراق وجود داشت که در صورت برآورده شدن یکی از اهداف سه گانه بالا، آن اهداف نیز قابل دسترسی بودند، که عمده‌ترین آنها به دست گرفتن نقش ژاندارمی خلیج فارس به جای ایران و برتری کامل سیاسی نظامی نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه و به ویژه کشورهای منطقه بود.

۱۳- آیا عراق در دست‌یابی به اهداف از قبل تعیین شده موفق بود؟

در مرحله نخست، برخلاف تصور عراق، ارتش این کشور نتوانست به اهدافی که مورد نظر دولت یعنی بود، دست یابد. صدام که قول تصرف سه

روژه استان خوزستان را داده بود، ۲۵ روز طول کشید تا توانست قسمت غربی شهر مرزی خرمشهر را تصرف کند و با وجود تصرف برخی از شهرها و ارتفاعات مرزی در غرب ایران، خط پدافندی تانظیم، ناقص و آسیب‌پذیری نصیب عراق شد. در این مرحله، عراق حتی موفق نشد آبادان را که یک شهر مرزی بود، به تصرف درآورد.

۱۴- دلایل ناکامی ارتش عراق را شرح دهید.

الف - عدم شناخت از وضعیت روحی مردم ایران اسلامی.

ب - رهبری موفق حضرت امام در این برهه و ایجاد آرامش در سطوح مختلف به منظور شکل‌گیری وضعیت جدید دفاعی بدون اتکا به نیروهای کلاسیک.

ج - حضور به موقع و کارساز نیروهای مردمی تحت سازمان‌دهی سپاه و شکل‌گیری نیروهای مقاومت در محورهای مختلف عملیاتی.

۱۵- نقش و موضع بنی‌صدر در برابر تجاوزات عراق چه بود؟

الف - عدم استقبال از مقاومت و مقابله نیروهای مردمی و جلوگیری از شکل‌گیری نیروهای انقلابی همچون سپاه در روند مقاومت.

ب - تکیه بر نیروهای کلاسیک و کسانی که ادعای تخصص نظامی داشتند و حتی استفاده از نیروهای بدنام و کودتاگر نظامی و ایجاد تأخیر در روند سازمان‌دهی انقلابی.

ج - بهره‌برداری از اقدامات نیروهای نظامی کلاسیک به منظور کسب پیروزی‌های سیاسی در جبهه‌بندی‌های سیاسی داخلی.

۱۶- اوضاع داخلی ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ و نیمه اول سال ۱۳۶۰ را شرح دهید.

الف - تجاوز عراق و انعکاس داخلی آن که ناشی از این تجاوز بود.

ب - وجود گروه‌های مختلف مسلح از جمله مجاهدین خلق، بی‌کار، چریک‌های فدایی اقلیت، حزب دمکرات، حزب توده، و - در صحنه سیاسی داخلی.

ج - وجود تشکیلاتی که تحت عنوان دفتر هماهنگی‌های مردمی ریاست جمهوری فعالیت داشتند که همچون بنی‌صدر در آستانه پیروزی انقلاب از خارج به ایران آمده بودند.

د - از آبان ماه ۱۳۵۹ وقتی عراق در اثر مقاومت نیروهای خودی به اهداف خود دست نیافت و زمین گیر شده، بنی صدر با استفاده از این موقعیت، به منظور کسب برتری سیاسی در داخل، دو عملیات را در جبهه‌های جنوب رهبری کرد: عملیات نصر در تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۵۹ و عملیات توکل در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۵۹.

عملیات نصر از دو محور جاده اهواز - خرمشهر و سوسنگرد و در سه مرحله به منظور بیرون راندن دشمن از حد فاصل سوسنگرد تا غرب اهواز، خرمشهر تا رسیدن به خط مرزی و در صورت امکان تصرف تنومه، با سه تیپ و سه گردان به اجرا درآمد ولی به علت عدم برآورد صحیح از توان نیروهای خودی و دشمن، این عملیات نه تنها موفقیتی در بر نداشت، بلکه موجب شد شهر هویزه نیز که قبل از عملیات در دست نیروهای خودی بود، به تصرف دشمن درآید.

در عملیات توکل نیز که در جاده ماهشهر - آبادان و جاده آبادان - اهواز (سلمانیه - مارد) با یک تیپ، تقویت شده و یک گروه رزمی ناتک و دو گروهان انجام شد، موفقیتی نصیب نیروهای خودی نشد و خسارت‌های زیادی نیز به آنها وارد آمد.

ه - پس از این، بنی صدر برای کسب برتری سیاسی به طور آشکار به منازعات داخلی دامن زد و روابط سیاسی خود را با نیروهای مخالف جمهوری اسلامی به ویژه سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان و سایر گروه‌های سیاسی و نظامی تحکیم بخشید. این مسئله از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ به صورت علنی شروع شد و در ۳۰ خرداد به اوج خود رسید، که منجر به برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و رد کفایت سیاسی وی در مجلس شورای اسلامی شد.

۱۷- فضای سیاسی کشور هنگام آغاز روند آزادسازی چگونه بود؟

با قرار بنی صدر و برطرف شدن مواضع پیوند نیروهای ارتش و سپاه و دلسوزی نیروهای انقلابی، شرایط داخلی برای طرح ریزی عملیات‌های آزادسازی فراهم شد و با عملیات‌های بزرگ ثامن‌الائمه طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، جنوب کشور از لوث وجود نیروهای بعثی پاک گردید. در حالی که به جهت سوء استفاده‌های رژیم گذشته از ارتش و قرار دادن آن در مقابل مردم در سال‌های ۱۳۵۷ ارتش ایران در حد بسیار بالایی کارایی خود را از دست داده بود.

۱۸- تأثیر روند آزادسازی و مواضع قدرت‌های جهانی و سازمان ملل در قبال پیروزی‌های ایران.

پس از پیروزی‌های بزرگ ایران در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس، شورای امنیت پس از ۲۲ ماه سکوت خود را شکست در واقع، این ۲۲ ماه فرصتی برای عراق بود تا به تحکیم مواضع خود بپردازد، ولی پس از اجرای دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس و از بین رفتن برتری نظامی عراق، شورای امنیت قطع‌نامه ۵۱۴ را در ۲۱ تیر ۱۳۶۱ تصویب کرد و در آن خواستار آتش‌بس و عقب‌نشینی دو کشور به مرزهای بین‌المللی شد، در حالی که قبل از آن و پس از آزادسازی خرمشهر، صدام حسین اعلام کرده بود که به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی می‌کند.

بدین ترتیب، عراق برای اولین بار مرزهای بین‌المللی را به رسمیت شناخت و آتش‌بس را در مرحله بعدی قرار داد و چون احتمال می‌داد ایران حملات خود را پس از بیت‌المقدس ادامه دهد، بدون آنکه منتظر جوابد ایران باشد، به سرعت بخشی از نقاط اشغال شده را تخلیه کرد، البته برخی مناطق استراتژیک غرب کشور همچون ارتفاعات میمک، قصر شیرین و قلاویزان در اشغال عراق باقی ماند و شهرهای قصر شیرین، سمار، مهران و - زیر دید و تیر دشمن بود. در حقیقت، عملیات بیت‌المقدس، عراق را وادار به عقب‌نشینی سراسری کرد و ناچار به اقداماتی دست زد تا سه نقطه ضعف عمده خود را مرتفع سازد:

- الف - با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب ستکی به عوارض طبیعی در نوار مرزی از فک به بالا، رخنه‌پذیری خود را منافی کرد.
- ب - طول خطوط پدافندی خود را عملاً کاهش داد.
- ج - موجب صرفه‌جویی در نیرو و در نتیجه ایجاد نیروی احتیاط متحرک در سپاه‌ها شد.

در این مرحله از جنگ عراق، خواستار کوشش‌های میانجی‌گرایانه شد.

۱۹- مواضع سیاسی عراق در آغاز جنگ و مقایسه آن با مواضع سیاسی این رژیم بعد از روند آزادسازی.

در اطلاعیه شورای فرماندهی عراق در اولین روز حمله این کشور به ایران آمده است: * - اگر تاکتیک نظامی و امنیت ارتش عراق ایجاب نماید که در سرزمین‌های اشغالی بمانیم، آن را تحت اشغال قرار خواهیم داد.

همچنین، صدام حسین قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر را پاره کرد و آن را یک طرفه ملغی اعلام نمود.

در این حال سخنگوی رژیم عراق سه شرط را برای پایان دادن به جنگ اعلام کرد: ۱ - احترام ایران به حاکمیت عراق در محدوده خاک ایران ۲ - شناسایی حقوق قانونی عراق بر شطالعرب ۳ - بازپس دادن سه جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی عراق همچنین میانجی‌گری کشورهای عربی را برای پایان دادن به جنگ، شدیداً رد کرد.

ولی عراق پس از آنکه در دو هفته اول جنگ واقعیت‌ها را درک کرد و نتوانست به اهداف قابل توجهی دست یابد، اعلام کرد که حاضر است آتش‌بس یک طرفه اعلام کند، در حالی که توانی برای عملیات نداشت و برخی مناطق ایران را تحت تصرف داشت.

۲۰ - تأثیر بازپس‌گیری خرمشهر در تحولات سیاسی منطقه و روند جنگ.

الف - دنیا، توان نظامی ایران و ظهور یک قدرت نظامی جدید به نام سیاه را باور کرد.

ب - نیروهای خودی ابتکار عمل سیاسی و نظامی را در دست گرفتند و توازن سیاسی و نظامی به سود ایران تغییر کرد.

کمیته‌تجر، نظریه پرداز سیاست خارجی امریکا، پس از پیروزی ایران در بیت‌المقدس گفت: «اگر عراق جنگ را برده بود، امروز نگرانی و وحشت در خلیج فارس نبود و منافع ما در منطقه به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، دچار مخاطره نبود و این به نفع ما است که هرچه زودتر آتش‌بس برقرار کنیم».

ج - روند آزادسازی ثابت کرد که شکل جدیدی از طواغی‌های نظامی، منبعث و الهام گرفته از انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی به ثمر رسیده است.

د - شکست سیاسی و نظامی عراق در استراتژی و تاکتیک.
ه - عراق، برگ برنده خود، برای تحمیل هر نوع خواسته نامشروع به ایران را از دست داد.

۲۱ - دلایل عدم پذیرش طرح صلح صدام پس از فتح خرمشهر توسط جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهید.

الف - شرایط ایران برای صلح عبارت بودند از: شناسایی و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت از سوی عراق که این شرایط مورد قبول رژیم عراق و سازمان‌های بین‌المللی نبود.

ب - مرزهای ایران تأمین نداشت. نقاطی در شلمچه، طلائی و طول مرز از فکه تا قصر شیرین در اشغال عراق بود. شهرهای سومار، نفت شهر و مهران عملاً در اشغال دشمن بود. امکان آزادسازی نقاط مزبور از طریق مذاکره غیرمعمول به نظر می‌رسید و راهی جز ادامه جنگ وجود نداشت.

ج - در حالی که نیروهای خودی روی دور پیروزی قرار داشتند، توقف در جنگ و چانه زنی در پشت میز مذاکره برای آزادی نقاط مرزی آزاد شده، صحیح نبود.

د - شهرهای آزاد شده همچون خرمشهر به علت حضور دشمن در شلمچه همچنان مورد تهدید بود.

ه - توانایی کشتی‌ارزش عراق اگر چه در طول جنگ آسیب دیده بود ولی نه تنها کاملاً ترمیم شده و بلکه افزایش هم یافته بود.

و - تنها چیزی که ارزش عراق از دست داده بود، روحیه بود که با توجه به روحیه فرماندهی آن (شخص صدام) این مسئله نیز پس از مدتی قابل ترمیم بود.

ز - در حالی که نیروهای جمهوری اسلامی در دور پیروزی بودند آیا توقف در اوج قدرت و فرصت دادن مجدد به عراق، نمی‌توانست مورد شمانت قرار گیرد؟ اگر آن روز جنگ متوقف می‌شد و تجربه‌ای چون مذاکرات سوریه و اسرائیل بر سر ارتفاعات جولان، فراروی ما قرار داشت و ناچار می‌شدیم بر سر ارتفاعات، پشت میز مذاکره با عراق چانه زنی کنیم، آیا امروز جامعه، ما را شمانت نمی‌کرد و با این استلال که شما که توان کافی برای رفع کامل تجاوز و بازپس‌گیری حقوق خود را داشتید چرا در بهترین موقعیت نظامی، از تعقیب دشمن دست کشیدید؟

۲۲ - دلایل ورود نیروهای ایران به خاک عراق چه بود.

الف - عدم تحقق شرایط ایران (تنبیه متجاوز - غرامت خسارت‌های وارده به ایران).

ب - باقی ماندن شاکله کلی ارتش عراق و وجود خطر حمله مجدد به خاک ایران.

ج - نبودن تضمین بین‌المللی و منطقه‌ای برای جلوگیری از تجاوز مجدد عراق به ایران.

د - تدبیر و اندیشه نظامی حکم می‌کرد که تا زمانی که دشمن خطرناک است و امکان تجاوز مجدد وجود دارد، او را تا حدی که امکان تجاوز را مرتفع می‌سازد، به عقب راند.

ه - استفاده از برتری نظامی خودی برای ایجاد فضای مناسب جهت برقراری صلح با ثبات.

و - مقابله با تهدید منطقه‌ای اسرائیل علیه منافع انقلاب اسلامی، با اتخاذ استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» تدویم عملیات را ایجاب می‌کرد.

ز - عراق در نظر داشت با برگزاری احلاس سران جنبش غیر متعهد در بغداد، برای تحقق خواسته‌های خود، به ایران فشار بیاورد و ایران با حمله به داخل خاک عراق در عملیات رمضان، این امتیاز مهم و حیاتی را از عراق گرفت.

۲۲- تحولات جنگ پس از پیروزی والفجر ۸ و تصرف فاو را شرح دهید.

الف - به حداقل رساندن امکان بهره‌برداری عراق از خلیج فارس.

ب - ورود ایران به منطقه جنوبی عراق و همسایگی ایران با کشورهای عربی می‌توانست باب مذاکره با کشورهای پشتیبانی کننده عراق را برای پایان بخشیدن به جنگ بگشاید.

ج - تغییر توازن در جنگ به نفع ایران با استفاده از موفقیت فتح فاو و موضع‌گیری صریح امریکا مبنی بر این که ایران بزرگترین تهدید منطقه است، یک مقام امریکایی در این باره گفت: «من تصور می‌کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع امریکا در خاورمیانه فاجعه بهار خواهد آورد».

د - آزادی فاو می‌توانست، باب مذاکره را برای پایان جنگ باز کند، لیکن علیرغم آمادگی مسئولین سیاسی کشور در این زمینه، دنیا هیچ گونه اعتطالی را نشان نداد.

۲۴- مواضع سازمان ملل در قبال تجاوز نیروهای عراق به ایران و استمرار دفاع ایران در خاک عراق را به صورت تطبیقی شرح دهید.

پس از ورود ایران به خاک عراق و تصرف فاو، شورای امنیت قطع‌نامه ۵۸۲ را در ۵ اسفند ۱۳۶۴ به تصویب رساند. در این قطع‌نامه بر اصل غیرقابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه زور تأکید شده است.

در این قطع‌نامه، نکاتی نیز از واقع بینی که حاکی از برتری سیاسی نظامی ایران بود، به چشم می‌خورد. در این قطع‌نامه از اقدامات اولیه که سبب برخورد بین ایران و عراق شده بود، اظهار تأسف شده است.

همچنین از افزایش برخوردها به ویژه تهاجمات آرسی، بمباران مراکز جمعیتی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و خصوصاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی که مغایر با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود، اظهار تأسف شده است. و برخلاف قطع‌نامه‌هایی که در زمان اشغال خاک ایران صادر شده بود و در آن عقب‌نشینی را توصیه نمی‌کردند، در این قطع‌نامه از دو کشور درخواست شده است، به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. با این حال، در این قطع‌نامه همچنان از احراز تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی و پرداختن به استواریت کشور آغاز کننده جنگ و پرداخت خسارت اجتناب شده است.

۲۵- دلایل و چگونگی تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ و مواضع اولیه ایران در قبال آن را توضیح دهید.

الف - این قطع‌نامه در شرایطی در شورای امنیت تصویب شد که برتری ایران در طراحی عملیات‌های ابتکاری محرز شده بود و عملیاتهای بزرگ و سرنوشت‌سازی چون والفجر ۸ و کربلای ۵ ثابت می‌کرد که ایران مهارت‌زدنی نیست و قادر است در شرایطی غیرقابل پیش‌بینی، پیروزی‌های استراتژیکی به دست آورد.

ب - حمله هواپیمای عراقی به ناو استارک امریکا در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۶ نشان داد که ممکن است حوادث غیرمترقبه‌ای حتی از سوی برخی عوامل ناشناخته در ارتش عراق صورت گیرد و دامنه بحران را پیچیده‌تر کند.

ج - حضور قدرتمند سپاه در صحنه جنگ دریایی، کشورهای حامی عراق در جنوب خلیج فارس را تهدید می‌کرد.

د - امریکا و شوروی که در آغاز کردن جنگ مؤثر بودند ولی نمی‌توانستند برای پایان دادن به آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند و از سوی دیگر از پیروزی ایران در جنگ و وسعت گرفتن انقلاب اسلامی در منطقه نگران بودند، برای جلوگیری از پیروزی احتمالی ایران دست به اقدامات مشترک زدند.

۲۶- مواضع ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸ چه بود؟

این قطعنامه حاوی نکات مثبتی بود و برخی خواسته‌های ایران در این قطعنامه وجود داشت، از جمله: تأکید سازمان ملل به بررسی آغازگر جنگ بر آورد خسارات، محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی و بسیاری مناطق مسکونی. همچنین در این قطعنامه از درگیری ایران و عراق با عنوان "منازعه ایران و عراق" نام برده شده است و نسبت به قطعنامه‌های قبلی از قاطعیت بیش‌تری برخوردار است. ولی در این قطعنامه همچنان از معرفی متجاوز و تنبیه متجاوز خودداری شده است.

با توجه به این مسائل، ایران قطعنامه ۵۹۸ را برخلاف قطعنامه‌های قبلی رد نکرد لذا در ۲۲ مرداد ۱۳۶۶ پاسخی را به شرح زیر به سازمان ملل ارسال داشت:

- قطعنامه بدون مشورت و نظر ایران تدوین شده است.

- نظرات سریع ایران در آن لحاظ نشده است.

در عین حال مهمترین مسئله از نظر ایران جابه‌جایی در بندهای قطعنامه بود، تا تضمین لازم برای احقاق حقوق ایران ایجاد شود. لذا ایران در این باره رایزنی‌های خود را با دبیر کل سازمان ملل آغاز کرد و به موفقیت‌هایی رسید لیکن عراق که از حمایت آمریکا برخوردار بود مانع از نتیجه‌گیری ایران و قبول به هنگام قطعنامه شد.

۲۷- بررسی نقش قدرت‌های جهان در تسهیل عراق به سلاح‌های غیرمستعارف.

عراق به عنوان یک کشور توسعه نیافته در آغاز جنگ فاقد تکنولوژی پیشرفته نظامی بود ولی در طول جنگ از انواع سلاح‌ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین تکنولوژی‌ها بودند، بهره‌مند شد. این سلاح‌ها همزمان با کسب برتری توسط نیروهای اسلام به عراق داده شد: جنگنده میراژ پس از مشخص شدن عدم برتری عراق در اوان جنگ، هواپیماهای میگ ۲۱ و ۲۹ پس از عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس، سلاح‌های شیمیایی بعد از عملیات بدر به صورت کمی و پس عملیات والفجر ۸ به صورت کیفی، هواپیماهای سوپر اتاندارد و بمب‌های لیزری و موشک‌های اس-۳۰ پس از عملیات خیبر، موشک‌های اسکاد - بی به صورت انبوه بعد از عملیات بدر، همچنین، آمریکا همزمان با تحریم اقتصادی ایران در ۳ آبان ۱۳۶۶، قطعات کامپیوتری پیشرفته را که عراق را قادر می‌ساخت تا بُرد موشک‌های اسکاد - بی را به ۱۲۰۰ کیلومتر برساند، در

اختیار این کشور قرار داد علاوه بر آن، سایر کشورها در مقاطع مختلف انواع مهمات، خودرو، تجهیزات مخابراتی و ... را در اختیار عراق قرار می‌دادند این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت‌های دولتی ایران در کشورهای غربی خصوصاً انگلستان به بهانه خرید سلاح برای ایران، بسته شد از سوی دیگر، آمریکا ایران را کلاً تحریم اقتصادی کرد و حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوره‌های دریایی با ظرفیت پایین، فشارهای زیادی به شرکت‌های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد.

۲۸- نقش کشورهای غربی و کشورهای منطقه در پشتیبانی از عراق در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی را توضیح دهید.

بخشی از کمک‌های کشورهای منطقه به صدام عبارت بودند از:

الف - کشورهای منطقه با قول حمایت سیاسی و کمک ۳۰ میلیارد دلاری قبل از شروع جنگ، صدام را پشتیبانی کردند و در راه نهادینه کردن این حمایت، شورای همکاری خلیج فارس در اسفند ماه ۱۳۵۹ با شرکت شش کشور عربی حاشیه خلیج فارس (عربستان، کویت، امارات، بحرین، عمان و قطر) شکل گرفت. "کردن من" در کتاب درس‌هایی از جنگ‌های مدرن، درباره کمک‌های کشورهای عربی منطقه به عراق می‌نویسد:

" اخبار تأیید شده حاکی است که کویت، بحرین، قطر و عربستان سعودی، دو روز قبل از آغاز حمله عراق به ایران موافقت کرده بودند که از نظر مالی به عراق کمک کنند."

ب - در این حال، کویت اعلام کرد که در دو نوبت در فروردین و آبان ماه ۱۳۶۰ هفت میلیارد دلار به عراق کمک کرده است علاوه بر آن، کویت سرز عبدالله، نویسنده و بنابر شعبه را در اختیار عراق قرار داد. همچنین جزیره بویان کویت نیز برای استفاده نظامی در اختیار عراق قرار گرفت.

ج - عربستان نیز در آمد فروش نفت از منطقه بی‌طرف خفجی را به میزان ۳۵۰ هزار بشکه در روز در اختیار عراق قرار داد و زمانی که عراق نمی‌توانست نفت صادر کند، به جای عراق نفت می‌فروخت و درآمد آن را در اختیار عراق قرار می‌داد.

د - در اجلاس چهارم شورای همکاری، حاکم بحرین نیز اعلام کرد که این شورا ۴۰ میلیارد دلار جدا از کمک‌های تسلیحاتی به عراق، کمک نقدی کرده است.

ه - در سال ۱۳۶۳ عربستان اجازه داد تا نفت عراق از طریق احداث لوله به بندر ینبع در جنوب غربی عربستان انتقال یابد.

و - سایر اقدامات سیاسی کشورهای عرب منطقه که در پشتیبانی محض از عراق به عمل آمد.

۲۴- حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس و بررسی ابعاد و ارتباط آن با جنگ را توضیح دهید.

- با وجود آن که امریکا همیشه، مترصد حضور در خلیج فارس بوده ولی حوه حضور این کشور در خلیج فارس بستگی مستقیم به برتری رزمندگان اسلام داشت و با کسب هر برتری از سوی نیروهای خودی، امریکا نیز به نشانه حمایت از صدام، حضور خود را پررنگتر می کرد.

حضور نیروهای امریکایی در خلیج فارس از سال ۱۳۶۴ روند صعودی رفت و در سال ۱۳۶۶ به اوج خود رسید و درست یک روز پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ که در بند پنجم آن سایر کشورها را به خویشتن داری و باز شدن از هر گونه اقدام برای گسترش بیشتر مناقشه فراخوانده است، امریکا بهانه حمایت از کشتی های کویتی، بزرگترین ناوگان خود را به خلیج فارس انداخته و در حمایت از عراق و برای جلوگیری از برتری نسبی ایران در تنگ خلیج فارس، وارد عمل شد.

امریکایی ها همزمان با سقوط فاو، به سکوهای نفتی ایران حمله کردند، نهایت خود را از عراق به طور سمبلیک به نمایش بگذارند و نیز در پایان جنگ با هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران، به جنگ ابعاد فاجعه آمیز دادند.

۲۵- جنگ نفت کش ها و تشدید فشارهای اقتصادی به ایران چگونه

عراق از همان اوائل جنگ دریافت که نمی تواند در جنگ زمینی برتری خود را خنثی کند، مگر این که عقبه های استراتژیک ایران را مورد تهدید قرار دهد. به همین جهت توأم با تهدیدهایی که علیه ایران از سوی کشورهای متصور گردیده بود، با جنگ شهرها و جنگ نفت کش ها، مراکز اقتصادی و پور نفت ایران را آسیب رساند و می کوشید صدور نفت را که بزرگترین منبع ارزی ایران را تشکیل می داد، مسدود نماید. این ابتکار مؤثر واقع شد، با ورود سپاه در جنگ نفت کش ها این معادله تا حدودی به هم خورد. در جل بعدی، عراق در صدد بود تا با تشدید حمله به کشتی های دیگر بردها، در خلیج فارس علاوه بر ایجاد محدودیت در صدور نفت ایران، نظر بردهای دیگر را در حمایت از خواسته های خود جلب نماید. عراق با اتکا به

۲۱- آشنایی با جنگ، پاسخ به اتهامات

فروش نفت از طریق لوله هایی که از کشورهای عربستان، اردن و ترکیه صادر می شد و همچنین کمک های مالی کشورهای منطقه خصوصاً عربستان و کویت مشکلی را برای خود احساس نمی کرد ولی با توجه به محدودیت هایی که برای ایران وجود داشت، این اقدام به نفع عراق بود ولی ایران از سه طریق تحت فشار فزاینده قرار می گرفت:

- الف - کاهش درآمد نفتی از طریق محدود کردن صدور نفت.
- ب - افزایش هزینه های تولید و صدور نفت از طریق انسداد منابع نفتی.
- ج - تخلف کشورهای صادر کننده نفت خصوصاً عربستان و کویت در افزایش صدور نفت و کاهش قیمت آن. این روند تا آنجا پیش رفت که قیمت نفت که در سال ۱۳۵۹ بشکه ای ۴۱ دلار بوده در سال های پایانی جنگ به ۱۵ دلار رسید. البته قیمت ۱۵ دلار حداقل قیمت نفت نبود بلکه در سال ۱۳۶۵ که یکی از سال های بحرانی جنگ بود، قیمت نفت تا حد ۸ دلار هم کاهش یافت.

۲۱- دلایل موفقیت های نسبی ارتش عراق در مرحله پایانی جنگ را توضیح دهید.

- الف - اتفاق بین المللی خصوصاً شوروی و امریکا برای پایان دادن به جنگ.
- ب - عقب ماندگی اساسی ایران از نظر تجهیزات نظامی پیشرفته خصوصاً بعد از سال ۱۳۶۳، به دو علت توازن حاکمیت ابزارهای مدرن به نفع عراق سنگینی می کرد: ۱- تحریم همه جانبه همه کشورها در واگذاری تجهیزات هر چند عمومی نظامی به ایران. ۲- افت توان اقتصادی برای خرید این اقلام.
- ج - استفاده وسیع عراق از سلاح های شیمیایی و سکوت مجامع جهانی در برابر این اقدام عراق.
- د - بسته شدن راه کارهای عملیاتی و نیاز به راه کارهای جدیدی که تکنولوژی آن در اختیار جمهوری اسلامی نبود.
- ه - عدم تمرکز تجهیزات نظامی موجود در کشور در اختیار سازمان عمل کننده (سپاه).

۲۲- نقش منافقین در مراحل مختلف جنگ را بیان کنید.

- نقش سازمان مجاهدین خلق در چهار مرحله قابل بررسی است:
- الف - برقراری روابط پنهان و نزدیک با رژیم عراق از زمان رژیم گذشته.

ب - زمینه سازی (تا سال ۱۳۶۰) ایجاد شورش و منازعه داخلی به منظور اختلال در عقبه‌های استراتژیک جنگ.

ج - مرحله براندازی (در سال ۱۳۶۰) از طریق پیوند با عناصر لیبرال و ایجاد بلواهای داخلی و راهپیمایی‌های مسلحانه و در مرحله پیشرفته، انجام ترورهای سیاسی قابل توجه همچون انفجار هفتم تیر و هشتم شهریور برای به دست‌گیری قدرت سیاسی.

د - مرحله سوم (بعد از سقوط بنی‌صدر و فراز سران سازمان) ایفای نقش ستون پنجم برای عراق از طریق بالا بردن قابلیت‌های جاسوسی برای ارتش عراق - که در عملیات والفجر مقدماتی آشکارا بروز کرد - ترورها از جمله ترور ائمه جمعه، نیروهای نظامی و نیروهای مردمی انقلاب در سطح شهرها برای تضعیف توان نظامی و گسستن مردم از نظام جمهوری اسلامی.

ه - ایجاد تغییرات اساسی در سازمان‌دهی نیروها به عنوان یک نیروی نظامی. در این مرحله که از سال ۱۳۶۵ شروع شد، سازمان علاوه بر ایفای نقش جاسوسی برای عراق، نیروهای خود را به تخریب سازمان داد تا در عملیات‌های نظامی دوشادوش سربازان عراقی در جبهه‌های مختلف خصوصاً جبهه‌های میانی علیه نیروهای نظامی ایران وارد صحنه‌های عملیاتی شوند که عملیات مرصاد در سوم مرداد ۱۳۶۷ بزرگترین آنها بود. در این عملیات، سازمان قصد داشت تا با بهره‌گیری از چهار هزار نفر در قالب ۲۵ تیپ سبک، خود را در پنج مرحله به تهران برساند، که با اقدامات تعجیلی نیروهای سپاه و سپس عملیات سپاه و همکاری هواییروز ارتش، این عملیات با انهدام تقریباً نیمی از نیروهای مهاجم، در ششم مرداد ماه ۱۳۶۷ به پایان رسید.

۳۳- چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهادهای صلح را نپذیرفت؟

یک مغلفه‌ای در این سؤال هست و آن این‌که اگر صلح را مجموعه‌ای از آتش‌بس، نحوه و شرایط آن و عقب‌نشینی و نحوه شرایط آن، علت شروع جنگ، تعیین متجاوز، تأمین خسارت‌های وارده و ... بدانیم، باید گفت که در آن زمان هیچ‌گونه پیشنهاد صلحی ارائه نشد و شورای امنیت تنها آتش‌بس را توصیه می‌کرد.

۳۴- دلایل خاص نظامی و استراتژیک برای عدم پذیرش پیشنهادهای صلح پس از فتح خرمشهر چه بود؟

همان‌طور که گفته شد، پس از فتح خرمشهر هیچ‌گونه پیشنهادی برای صلح از طرف هیچ مجمع رسمی و بین‌المللی ارائه نشد و پیشنهادهای صرفاً در حد آتش‌بس بود ولی برای عدم پذیرش آتش‌بس نیز وضعیت زیر حاکم بود:
الف - ارتفاعات آبی‌داغ، قلاویزان، میمک، مهریز و ... در اختیار عراق بود و بر شهرهای قصرشیرین و مهران و دشت میمک تسلط دید و تیر داشت و علاوه بر آن نفت‌شهر نیز همچنان در اختیار عراق بود و لذا توازن نظامی همچنان به نفع عراق بود.

ب - به علت آن‌که عقبه اصلی ارتش عراق آسیب اندکی دیده بود و لشتهای تجاوز همچنان در سران حکومت عراق وجود داشت لذا امکان تجاوز عراق همچنان پابرجا بود.

ج - پس از عملیات بیت‌المقدس فاصله عراق با شهرهای اصلی ایران در جنوب (آبادان - خرمشهر) ۵۰۰ تا ۷۰۰ متر بود ولی فاصله ایران از شهر اصلی عراق در این منطقه ۱۷ کیلومتر بود لذا با توجه به برتری عراق و با توجه به این نکته که امکان تجاوز عراق منتفی نشده بود لذا برتری عراق همچنان تهدیدی علیه تمامیت ارضی ایران بود.

ه - در آن زمان طرحی که متضمن صلح واقعی گردد و شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت را نیز شامل شود وجود نداشت و پیشنهادهای ارائه شده صرفاً در حد آتش‌بس و مذاکره طرقتین بود که این امر با توجه به پشتیبانی بین‌المللی از عراق هیچ‌گاه نمی‌توانست شرایط ایران برای بستن صلح شرافتمندانه را تحقق بخشد.

۳۵- آیا هدف از عملیات رمضان تثبیت موقعیت سیاسی و نظامی برای آغاز مذاکرات جنگ بوده است؟

عملیات رمضان برای به‌دست‌آوردن موضع برتر نظامی در جبهه‌های جنگ بود و چون در آن زمان شرایط ایران که اصلی‌ترین آنها تعیین متجاوز و دریافت غرامت بود، پذیرفته شده دورنمای مثبتی برای آغاز مذاکرات تصور نمی‌شد.

۳۶- آیا نقش و اثر پیمان‌های نظامی عراق، حمایت‌ها و نوع سلاح‌های خریداری شده نمی‌توانست در پیش‌بینی پایان جنگ مؤثر افتد؟

البته واقعیت محسوس این بود که قدرت‌های جهانی از عراق حمایت می‌کردند ولی دست‌پایی به مرزهای دقیق این واقعیت اسل نیست. البته ما با نفی این واقعیت‌های محسوس توانستیم به‌نحوی قدرت نویای جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی به نمایش بگذاریم و آنچه کسی است که نتواند قدرت‌های بزرگ خواهان پیروزی‌های ما در بیت‌المقدس، والفجر ۸ و یا کربلای ۵ نبودند در حقیقت ایران هیچ‌گاه با تکیه صرف به واقعیت‌ها حرکت نمی‌کرد. خود انقلاب ما در اثر نفی واقعیت‌های محسوس جاری آن زمان به وقوع پیوست. مقاومت در مقابل متجاوز و معانعت از پیش‌روی بیشتر عراق هم از این مقوله بود. در حقیقت ایران واقعیتی بود که دنیا نمی‌خواست او را تحمل کند ولی پامردی‌ها و ۸ سال نبرد بالاخره آنها را وادار به قبول این امر کرد.

۳۷- آیا بررسی‌های قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران برای ادامه جنگ درست بود؟

چه حقیقتی آشکارتر از این که ایران در طی ۲۰ ماه توانست طی عملیات‌های بزرگی همچون ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس ۸۰۵۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های اشغال شده را آزاد کند و بیش از ۳۵۸۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن را اسیر بگیرد و ۱۸۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن را نیز به هلاکت رسانده یا زخمی کند. آیا اینها حاکی از قابلیت‌هایی نبود که ما داشتیم؟ در حقیقت تجربه ۳۰ ماه مقاومت و دست‌آوردهای آن نشان می‌داد که ما توان کافی برای تداوم جنگ تا حصول نتیجه لازم را داریم تا بتوانیم حقوق خود را مطالبه کنیم و یک صلح پایدار در منطقه مستقر سازیم.

۳۸- آیا ما به صلح، پس از فتح خرمشهر، عملیات رمضان یا فاو نیاز داشتیم؟ اگر بدست آوردن صلح اراده استراتژیک ایران بود چرا پیش شرط‌های بسیار سخت از سوی ایران ارائه شد؟

ما همیشه به دنبال صلح بودیم و صلح نیز دانشی هر کشوری است و استراتژی کلی ما هم بدست آوردن صلح پایدار و شرافتمندانه بود ولی نظام بین‌الملل هیچ‌گاه برای تحقق یک صلح شرافتمندانه قدم پیش نمی‌گذاشت و ما ناچار به ادامه جنگ بودیم. شناخت متجاوز و پرداخت غرامت از جمله شروط اصلی ایران برای صلح بود و بدون این دو هیچ صلح‌پایداری صورت

آشنایی با جنگ، پاسخ به اتهامات | ۴۵

نمی‌پذیرفت. اگر عراق به همان راحتی که به ایران تجاوز کرده بود به همان راحتی از جنگ فارغ می‌شد، هیچ تضمینی وجود نداشت که فردا غائله دیگری درست نکند، همان‌طور که حمله به کویت این امر را ثابت کرد. پس می‌بایست عراق وادار به تحمل هزینه‌های سیاسی و اقتصادی تجاوز خود می‌شد تا دیگر بار فکر تجاوز را در سر نیروراند ولی دنیا این را نمی‌خواست چون تشبه عراق را به نفع ایران می‌دید ولی درستی این سیاست ایران زمانی خود را نشان داد که عراق سرتاسر خاک کویت را به اشغال درآورد و نظام بین‌الملل خسارت روی گردانی از این سیاست صحیح و به حق ایران را با قربانی کردن کویت پرداخت. البته باید توجه داشت که برخی شعارهای سیاسی را نباید با شرایط اصلی برای پایان دادن جنگ مخلوط کرد زیرا شناخت متجاوز و پرداخت غرامت محوری‌ترین شرایط ما برای پایان دادن به جنگ بود که سه نحوی در قطع‌نامه ۵۹۸ پیش‌بینی شده بود.

۳۹- آیا حصول پیروزی کامل نظامی در جهان امروز (به ویژه با توجه به نقش سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ) امکان وقوع خارجی داشت یا صرفاً یک آرمان بود؟

متفقین از پیروزی کامل مشخص نیست جنگ ما در راستای اهداف سیاسی و در خدمت آن بود. هر موقع این اهداف سیاسی تأمین می‌شد لاجرم جنگ نیز پایان می‌یافت.

کشوری که دشمن قصد داشت پایتخت آن کشور را تصرف کند و یا حداقل یک استان آن را پس از اشغال به عنوان یک کشور مستقل از خاک آن جدا کند و تمامی قوانین و مقررات بین‌المللی را زیر پا بگذارد اگر خواسته خود را مبنی بر تعیین متجاوز و دریافت غرامت را طرح کند آیا این یک آرمان است؟ مگر دنیا هیتلر را به خاطر اقدامات مشابه صدام حسین به محاکمه نکشید؟ مگر یوگسلاوی به خاطر تجاوز به حقوق مردم بوسنی تشبه نشد؟ و مگر همین عراق در تجاوز خود به کویت مجبور به پرداخت غرامت نشد؟ پس چرا این خواسته که طبق مقررات بین‌المللی است و روش جاری در حقوق بین‌المللی و عرف دیپلماتیک است وقتی از طرف ایران مطرح می‌شود آرسان تلقی می‌شود؟ البته اقدامات ما در طول این ۸ سال باعث شد تا شورای امنیت سازمان ملل که قدرت‌های جهانی اراده سیاسی خود را از این جایگاه به دنیا دیکنه می‌کنند، ناچار شوند تا قطع‌نامه ۵۹۸ را تصویب کنند.

۴۰- چرا ایران قطعنامه ۲۱ تسیر ۱۳۶۱ را رد کرد. حال آنکه عراق پذیرفت و اقدامات عملی برای آن انجام داد؟

ایران به دنبال یک صلح پایدار در منطقه بود در حالی که قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت هیچ نگاه جدی به صلح و لوازم صلح نداشت. در موارد پنج گانه این قطعنامه هیچ اشاره‌ای به تعیین متجاوز، تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت نشده بود و تنها به آتش‌بس اکتفا شده بود که بر اتهامات موجود در راه صلح می‌افزود و گذشته از آن، این قطعنامه از نظر سیاسی برای تأمین نظرهای عراق و با پیشنهاد اردن و حمایت آمریکا تصویب شد و قبل از آن و زمانی که بخش‌های عظیمی از خاک ایران در اشغال عراق بود، شورای امنیت هیچ‌گاه فراتر از آتش‌بس حرقی نروده بود و در این قطعنامه خواستار عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی شده بود.

بخش دوم سؤال که گفته شده است عراق اقدامات عملی برای پذیرش قطعنامه ۵۱۴ انجام داد صحیح نیست زیرا عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی از جمله بندهای این قطعنامه بود در حالی که عراق پس از قطعنامه نیز همچنان ارتفاعات آق‌داغ، میمک، قلاویزان و ... و شهر نفت‌شهر را در اشغال خود نگاه داشته بود. (شاید منظور سؤال کننده عقب‌نشینی عراق پس از عملیات بیت‌المقدس و قبل از قطعنامه ۵۱۴ بود که اولاً ناچار به عقب‌نشینی شد ثانیاً به گفته سفیر این کشور در پاکستان، عراق از سرزمین‌هایی عقب‌نشینی کرده بود که ارزش تلفات نداشت و در عوض ارتفاعات مسلط را در اختیار گرفته بود.)

۴۱- آیا مدیریت ناقص سیاسی و نظامی در ادامه جنگ دخیل بوده است؟

مگر در مورد ادامه جنگ ایرادی وارد است؟ سؤال کننده یک امری را مفروض گرفته و آن این که ادامه جنگ بعد از خرمشهر ضروری نبوده است، به عبارت دیگر عراق و شورای امنیت سازمان ملل و نظام بین‌الملل حاضر شده بودند متجاوز را شناسایی و تنبیه کنند و غرامت طرف خسارت دیده را پرداخت کنند، در حالی که چنین اتفاقی نیفتاده بود پس ادامه جنگ امر مذمومی نیست که اتفاق افتاده باشد بلکه یک الزام و اضطرار سیاسی و نظامی بود که ما ناچار به آن تن دادیم.

۴۲- برخی از کارشناسان نظامی و سیاسی معتقد بودند ادامه جنگ به باخت نظامی ایران منجر خواهد شد، آیا چنین تحلیلی مبنای قبول قطعنامه ۵۹۸ بود؟

پذیرش قطعنامه یک امر فوری و آتی نبود بلکه به گفته آقای لاریجانی قائم مقام وقت وزارت خارجه، ایران در تصویب قطعنامه اقداماتی را انجام داد و با خاور پرز دکوئیلر دبیرکل سازمان ملل همکاری داشت. درنتیجه مگر قرار بود جنگ تا ابد ادامه پیدا کند، ما به هیچ وجه صرفاً برای طولانی شدن جنگ برنامه نداشتیم بلکه فشار نظامی به عراق برای به دست آوردن امتیازهای لازم سیاسی بود و این امتیازها تا حدی در قطعنامه ۵۹۸ لحاظ شده بود ولی ما به دنبال تمییزاتی در بندهای قطعنامه ۵۹۸ بودیم تا موقعیت ما را بهتر تأمین کند و شرایط جمهوری اسلامی را بهتر محقق سازد که این امر تا حدی ناقص ماند.

۴۳- نقش جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها، وجود سلاح‌های بیولوژیک و کشتار جمعی در قبول قطعنامه ۵۹۸ چه بوده است؟

قطعنامه ۵۹۸ تا حدی مورد رضایت ایران بود و بر خلاف سایر قطعنامه‌ها ایران آنرا رد نکردم بود و در تهیه پیش‌نویس آن ایران نیز در برخی زمینه‌ها با دبیرکل سازمان ملل و دبیر شورای امنیت همکاری داشت ولی ایران اعتقاد داشت که اجرای برخی از بندها از جمله بند "معرفی متجاوز" باید جلوتر از بند "آتش‌بس" به اجرا درآید و لذا در این زمینه بین ایران و شورای امنیت اختلاف نظر وجود داشت.

چانه‌زنی‌های سیاسی و تأخیر در پذیرش قطعنامه صرفاً برای تأمین این اهداف بود ولی در آن شرایط تشدید فشارهای نظامی از جمله توسعه جنگ شهرها و به کارگیری وسیع سلاح‌های شیمیایی توسط عراق و سایر عوامل فقط باعث تسریع در پذیرش رسمی قطعنامه شد.

۴۴- آیا ناتوانی ایران برای دستیابی به اطلاعات استراتژیک و نظامی در عدم موفقیت ایران دخیل نبود؟

توان نظامی عراق امر مبهمی نبود که ایران در ارزیابی‌های نظامی خود از آن غافل باشد ولی توجه به یک امر مهم ضروری است و آن این که همزمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل می‌شد نظام جهانی مبادرت به تجهیز و تقویت عراق می‌کرد.

یعنی پس از آنکه معلوم شد عراق توان پیش‌روی در خاک ایران را ندارد فرانسه در بهمن ماه ۱۳۵۹ اقدام به فروش هواپیماهای میراژ به عراق کرد و یا پس از آنکه توان نظامی ایران در طرح‌ریزی عملیات خیبر مشخص شد، سلاح‌های شیمیایی در حد وسیع به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر بر ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوسه را به عراق فروخت. این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ - ۲۵ از طرف روس‌ها ادامه پیدا کرد و پس از عملیات کربلای ۵ سلاح‌های شیمیایی با کیفیت بیش‌تری به عراق داده شد و عراق را قادر ساخت تا با هواپیما و توپخانه عوامل شیمیایی کشنده همچون سیانور را علیه نیروهای جمهوری اسلامی بکار گیرد و در سال ۱۳۶۶ نیز با تغییراتی در برد موشک‌های اسکاد - سی، عراق را قادر ساختند تهران و شهرهای دورتر را مورد هدف قرار دهد. پس در حقیقت تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی‌شد بلکه قدرت‌های بزرگ اصلی‌ترین عامل در تجهیز و تقویت عراق بودند و این امری نبود که به آسانی قابل پیش‌بینی باشد.

۴۵- نقش فشارهای اقتصادی بر دولت و مردم در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ چه بوده است؟

قبلاً توضیح داده شد که ایران قطع‌نامه را رد نکرده بود ولی برای آنکه نحوه اجرای آن متضمن برآورده شدن خواسته‌های ایران باشد، مسئولان در تلاش بودند ولی همان‌طور که فشارهای نظامی در تسریع پذیرش قطع‌نامه مؤثر بود مشکلات اقتصادی نیز در این امر اثر داشت ولی عامل اصلی در پذیرش قطع‌نامه، برآورده شدن نسبی خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بود.

سازمان پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره)

استراتژی کلی جمهوری اسلامی
در جنگ بدست آوردن صلحی پایدار
و شرافتمندانه بود

ولی نظام بین‌الملل هیچ‌گاه برای تحقق چنین صلحی
قدم پیش نمی‌گذاشت
و همه تلاشش جلوگیری از
پیروزی ایران در جنگ بود.

شناخت متجاوز و پرداخت غرامت
از شرط‌های اصلی ایران برای پایان جنگ بود
و بدون این دو، هیچ صلح پایداری صورت نمی‌پذیرفت.
اگر عراق به راحتی از جنگ فارغ می‌شد،
هیچ تضمینی وجود نداشت
که غائله دیگری بر پا نکند.
همان‌طور که حمله به کویت این امر را به اثبات رساند.

مرکز
مطالعات
و تحقیقات
جنگ سپاه



پس عراق باید متحمل هزینه‌های سیاسی و
اقتصادی تجاوز خود می‌شد تا بار دیگر
فکر تجاوز در سر نپروراند ولی دنیا
نمی‌خواست عراق تنبیه شود.
نوشتار حاضر در پی آن است که
به برخی ابهامات جنگ ایران و عراق از جمله
علل ادامه جنگ پس از آ
و یا دلایل پذیرش قطع‌نامه
شورای امنیت سازمان ملل؛



F50330

DSR

۱۵۹۸

/جله

آ۵

ج ۲۰